

برگزاری نمایشگاه نقاشی‌های زنده‌یاد عباس کیارستمی



نقاشی‌های زنده‌یاد عباس کیارستمی برای اولین بار در گالری گلستان به نمایش گذاشته می‌شوند، نقاشی‌هایی که به گفته لی‌لی گلستان زمانی برای گذران زندگی این هنرمند به فروش گذاشته شده بودند، اما حالا از روی دیوارهای خانه‌های مختلف جمع‌آوری شده‌اند تا برای مدت دو هفته، بعد دیگری از عباس کیارستمی فیلم‌ساز و عکاس به نمایش گذاشته شود.

به گزارش ایسنادر نشست رسانه‌ای نمایشگاه نقاشی‌های زنده‌یاد عباس کیارستمی در گالری گلستان، ابتدا لی‌لی گلستان، مجومعه‌دار و مدیر گالری «گلستان» از اهمیت نقاشی‌های کیارستمی سخن گفت و یادآور شد: در آن سال‌ها همیشه به ایشان می‌گفتم چیف است که نمایشگاه نقاشی نمی‌گذاری و او همیشه جواب می‌داد که باید وقت بگذارم و کارهای جدید را هم اضافه کنم که متأسفانه این اتفاق نیفتاد.

او ادامه داد: حدود ۱۲ اثر در خانه خودشان بود و سایر کارها را به پرس‌وجو پیدا کردیم. در حال حاضر ۳۳ اثر در نمایشگاه ارائه خواهند شد که البته ممکن است با پیدا شدن کارهای جدید همچنان بر این تعداد افزوده شود.

گلستان همچنین درباره آثار نقاشی زنده‌یاد کیارستمی، توضیح داد: همه کارها مدارنگی هستند غیر از یک اثر که با آبرنگ کار شده است، سه اثر را نیز در خارج از کشور پیدا کردیم که نتوانستند بفروشند و عکس با کیفیت از آثار را ارسال کردند و ما هم چاپ کردیم و در کنار سایر آثار گذاشتیم. همچنین تمامی آثار امنی هستند و برای فروش نیستند. در ادامه محمود بهمن‌پور، مدیر نشر نظر نیز در سخنانی درباره برگزاری نمایشگاه نقاشی‌های عباس کیارستمی، گفت: روش کار آقای کیارستمی این بود که عکاسی می‌کرد و مدتی بعد آن عکس‌ها را به نقاشی تبدیل می‌کرد. او عاشق طبیعت و نقاشی‌کردن بود گاهی آنچنان در گندمزارها مبهوت می‌شده است که همانجا خوابش می‌برده است. این عشقش به طبیعت که به نوعی سلوک دائمی کیارستمی بوده، از نقاشی‌هایش دیده می‌شود. همچنین «مداد عباس» کتابی از اوست با موضوع مداد قزم که در دهه ۶۰ و در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان منتشر شد. نمایشگاه نقاشی‌های زنده‌یاد عباس کیارستمی از ۱۵ تا ۲۹آبان ماه در گالری گلستان برگزار است.

نمایش عکس‌های قاجاری در کاخ گلستان و کتابخانه ملی

۳۱ قطعه عکس از مخزن آلبوم‌خانه کاخ گلستان برای نخستین بار به مناسبت روز جهانی میراث دیداری- شنیداری ۱۴ آبان در حوض خانه کاخ به نمایش گذاشته می‌شوند.

زهرا اسدیان، مسؤل آلبوم‌خانه کاخ گلستان در گفتگو با میراث آریا گفت: این گرامیداشت روز جهانی میراث دیداری- شنیداری ۱۴ آبان در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار می‌شود و همزمان با آن تصاویر کپی ۳۱ قطعه عکس منتخب آلبوم‌خانه کاخ گلستان برای نخستین بار در محل این سازمان به‌نمایش گذاشته می‌شوند. همچنین قرار است در این روز، اصل این عکس‌ها که مربوط به دوره قاجار بوده و شش‌مال مظفرالدین‌شاه و گرامافون، کلسکه، تلسکوپ و مظفرالدین‌شاه، روز عشاء، ابار ذخیره قورخانه از تفنگ و فشنگ و ... است به‌مدت یک هفته در مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان در معرض دید عموم قرار بگیرند.

رضامیر کریمی بهترین کارگردان جشنواره فیلم آنتالیا شد

جایزه بهترین کارگردان به رضا میرکریمی و بهترین بازیگر مرد به حامد بهداد در جشنواره آنتالیا برای «قصر شیرین» رسید.

بین‌المللی فیلم آنتالیا به سان رسید و جایزه بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر به رضا میرکریمی و حامدبهداد برای فیلم «قصر شیرین» نامیده شد. ایران رسیده. فیلم «قصر شیرین» به کارگردانی رضا میرکریمی و بین‌المللی شرکت ایریماز، در مقام پرافتخارترین فیلم جشنواره ایران در مجامع بین‌المللی در سال جاری، در دوازدهمین حضور بین‌المللی‌اش دو جایزه دیگر دریافت کرد. به این ترتیب، فیلم «قصر شیرین» تاکنون در تمامی جشنواره‌های رقابتی که حضور یافته، موفق به کسب جایزه شده است.

نمایشگاه «میراث وقف» با حضور دکتر علی‌اصغر موسیان، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی خاموشی، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه و جمعی از مسؤولان کشوری در محل موزه ملی ایران افتتاح شد.

به‌گزارش میراث‌آریا، در این نمایشگاه که به‌مناسبت فرارسیدن دهه وقف برگزار شده است، دستاوردهای سنت حسنه وقف در قرون گذشته شامل آثاری از وقیات، اسناد وقفی و اسنوال موقوفه‌هایی که ارزش مذهبی، میراثی و تاریخی دارند و نیز آثار حدود ۱۰ شرکت دانش‌بنیان حوزه‌های پزشکی، صنعتی، کشاورزی و ... به نمایش درآمده است.

این نمایشگاه تا پنج‌شنبه، ۱۶آبان در محل مسوزه ملی ایران واقع در خیابان سسی تیر میزان علاقه‌مندان به حوزه وقف و پژوهشگران و دانشجویان علاقه‌مند به تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی ایران است. حجت الاسلام والمسلمین سیدمهدی خاموشی، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه در این مراسم در سخنانی با اشاره به اسناد وقف و

جایگاه آن در دین مبین اسلام گفت: موضوع وقف در آیات، روایات و احادیث زیادی آمده است و این سنت حسنه باید پیش از پیش در جامعه گسترش یابد.

او توضیح داد: میزان موقوفاتی که در ایران وجود دارد بسیار زیاد است. وقف، تلفیقی از فرهنگ ایرانی و اسلامی است و در حال حاضر ششاد ثبت یکمیلیون و ۴۰۰هزار رقبه به عنوان وقف در ایران هستیم.

همایش «مطالعات فرهنگی واجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری» برگزار می‌شود

اولین همایش ملی «مطالعات فرهنگی واجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری» پادمان دکتر محمدامین قاضی‌داد، توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۹۸، برگزار می‌شود.

در این همایش که محورهای نظیر «آموزش عالی؛ در دفاع از دانشگاه»، «نسبت فریختگی و دانشگاه در ایران»، «اخلاق

پیکر ابراهیم آبادی به خانه ابدی رهسپار شد

پیکر ابراهیم آبادی، بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون تشییع و به خانه ابدی خود در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) رهسپار شد. به گزارش ایرنا، در آیین تشییع پیکر ابراهیم آبادی بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون که با حضور خانواده وی و جمعی از هنرمندان در خانه سینما برگزار شد، علی دهکردی، بازیگر تئاتر و سینما با بیان اینکه مرگ پایان یک هنرمند نیست، گفت: هنوز از دست‌دادن داریوش اسدزاده را فراموش نکرده بودیم که باز سیامپوش هنرمند بزرگ دیگری شدیم. وی با اشاره به بهرپایانی و خوش خلقی این هنرمند تأکید کرد: آبادی از اولین کسانی بود که در خارج از ایران تحصیل کرد و جزو سه نخبه‌ای بود که برای تحصیل به خارج از ایران اعزام شدند تا بازیگری مدرن جهان را یاد بگیرند.

نگرش آبیار، کارگردان سینما نیز با اشاره به اینکه در هر ماه و هر هفته سپرماه‌های فرهنگی کشور را به ویژه در عرصه سینما از دست می‌دهیم اظهار کرد: امیدوارم این تعداد از پیشکسوتان که باقی مانده‌اند را قدر بدانیم و تا هستند از آنها بیاموزیم. مراسم ختم مرحوم ابراهیم آبادی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون روز سه شنبه در مسجد جامع شهرک غرب از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۵:۳۰ برگزار خواهد شد.

آگهی دعوت به جمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده <p>شرکت جهان پیم (فصل خامی) به شماره ثبت ۸۲۰</p> <p>بدینوسیله از کلیه سهامداران شـُـرکت جهان پیم (فصل خامی) دعوت می‌شود در مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده این شـُـرکت که رأس ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۳۹۸/۹/۱۶ در محل شرکت برگزار می‌گردد حضور به‌هم رسانید.</p> <p>دستور جلسه:</p> <p>۱-انتخاب هیئت مدیره ۲-انتخاب بازرس قانونی و علی‌البدل ۳-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد</p> <p>«هیئت‌مدیره»</p>	
---	--



البته در کنار رقبه‌ها شاهد وقف در حوزه‌های دیگر از جمله پزشکی، درمانی، آموزشی، تحقیقاتی و... نیز هستیم.

محمدحسین طالبیان، معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز در این مراسم گفت: برگزاری نمایشگاه میراث وقف می‌تواند به‌سراغ یک همکاری بسیار ارزشمند بین وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و

فهردهاد عربستانی، نعمت‌الله فاضلی، خدیجه کشاورز و جمعی دیگر از استادان و پژوهشگران به سخنرانی و گفت‌وگو خواهند پرداخت.

این همایش روز سه‌شنبه چهاردهم آبان از ساعت ۸ تا ۱۸ در پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری واقع در تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مومن‌نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴، برگزار می‌شود.

«اطلس جامعه داده‌های فرهنگی» ایجاد می‌شود

ارتباطی نباشد، به صورت کاغذی یا کتاب عرضه می‌نشوند و اگر کسی بخواهد مثلاً میان داده‌های «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» و داده‌های پیمایش فرهنگ کلای فرهنگی» ارتباطی برقرار کند، نمی‌تواند چنین ارتباطی را شکل بدهد.

برای همین در تلاش هستیم یک «اطلس جامع داده‌های فرهنگی» ایجاد کنیم. در واقع «اطلس جامع داده‌های فرهنگی» این امکان را به ما می‌دهد تا داده‌هایی که به شکل‌های مختلف تولید گردیم، به صورت یک دیتای یکپارچه در پایروم تا پژوهشگران و مسؤولان بتوانند مبتنی بر شرط‌هایی که تعیین می‌کنند، از آن داده بگیرند و استفاده کنند.

آگهی دعوت از سهامداران شرکت فراخانمان پارس (سهامی خاص) <p>شماره ثبت: ۱۴۵۲۷۰۲۴۵۲۹۰۱۰۰۲۵۵۲۹۱</p> <p>بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی آنان در شرکت فوق‌الذکر دعوت به‌عمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۶ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌شود، حضور به‌هم رسانند.</p> <p>دستور جلسه:</p> <p>۱-انتخاب مدیران شرکت</p> <p>«هیأت‌مدیره»</p>	
---	--

نام روز نامه: اطلاعات تاریخ درج آگهی نوبت اول روز دوشنبه ۱۳۹۸/۸/۱۳

شـرکت پـترو شیمی مارون در نظر دارد ا قـلام مـورد نیاز ذیل را از طـریق مـناقصـه عـومـی خـریـدار ی نماید.

ردیف	موضوع مناقصه	نوع مناقصه	شماره مناقصه	شماره تقاضا	آخرین مهلت دریافت اسناد پیشنهادات توسط فروشنندگان	آخرین مهلت ارسال پیشنهادات توسط فروشنندگان	نحوه دریافت اسناد	تضمین شرکت در مناقصه
۱	سایت کامل تیوب یوایر	مناقصه عمومی	98-T-211	KAD-963087	۷ روز پس از درج آگهی نوبت دوم در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۱۴ روز پس از درج آگهی نوبت دوم	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل bafzali@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی
۲	P/F"INGERSOLLRAND" DECKING AIR COMPRESSOR	تجدید مناقصه	98-T-212	KAS-980060	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل sdakhli@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی
۳	BLOWER COMPL. ASSY"AERZENER"	تجدید مناقصه	98-T-213	KAS-970825	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل sdakhli@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی
۴	"PARTSFOR" "HOLSCHERT" "BAGGING MACHINE"	مناقصه عمومی	98-T-214	KAS-960056	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل sdakhli@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی
۵	"PUMP COMPL. ASSY"cryostar" سازندگان ایرانی هم می‌توانند در این مناقصه شرکت کنند	تجدید مناقصه	98-T-215	KAS-970872	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل sdakhli@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی
۶	استرچ فیلم- SMART STRECH FILM	مناقصه عمومی	98-T-216	KAS-980049	۷ روز پس از درج آگهی نوبت اول در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۷ روز پس از درج آگهی نوبت اول	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل hroozbahani@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی
۷	GAS CHROMATOGRAPH	مناقصه عمومی	98-T-217	kas-980708	۷ روز پس از درج آگهی نوبت دوم در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل HJarahzadeh@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی
۸	PLC Siemens	مناقصه عمومی	98-T-218	KAS-910487	۷ روز پس از درج آگهی نوبت دوم در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۷ روز پس از درج آگهی نوبت دوم	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل snasari@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی
۹	SEPRASOL PLUS LIQUID CS604LGH13 PALL GAS COALESCE (FILTERCS604LGH13 PALL	مناقصه عمومی	98-T-219	KAS-96111	۷ روز پس از درج آگهی نوبت دوم در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل mmohabdatdoost@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی
۱۰	LAMPS, LAMPFITTING AND ACCESSORIES KAD-INDENT (HSE UNIT)	مناقصه عمومی	98-T-220	KAS-980645	۷ روز پس از درج آگهی نوبت دوم در ازای ارائه معرفی نامه شرکت	۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم	ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به آدرس ایمیل kfolahkaj@mpc.ir	ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه به ارزش ۲٪ مبلغ پیشنهادی

ضمناً متقاضیان می توانند متن آگهی فوق را در سایت WWM.MPC.IR ملاحظه نمایند .

روابط عمومی پتروشیمی مارون

افتتاح نمایشگاه «میراث وقف» در موزه ملی ایران

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزشی درباره مطرح شده در فضای مجازی درباره حذف برخی متن‌ها از کتب فارسی را رد و تأکید کرد:، سه سال گذشته متنی از کتاب‌های فارسی حذف نشده است. به گزارش ایسنا، کوروش امیری‌نیا، معاون برنامه‌ریزی متوسطه دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری در پاسخ به مواردی که در برخی خبرگزاری‌ها و فضای مجازی نسبت به کتاب‌های درسی فارسی دوره دوم متوسطه مطرح‌شده است، گفت: کتاب درسی به عنوان یکی از اجزای مهم بسته آموزشی در فرایندی حساب‌شده و متناسب با منطق اسناد بالادستی از جمله سند مبهم درسی ملی و راهنمای درسی درسی حوزه تربیت و یادگیری با تأیید اساتادان و صاحب نظران شورای برنامه‌ریزی درسی و اعتبار بخشی توسط تعداد زیادی از استادان و دبیران سراسر کشور تهیه و تدوین می‌شود؛ در این راستا کتاب‌های درسی فارسی دوره دوم متوسطه نیز از سال ۱۳۹۵ همسو با برنامه درسی ملی، نو نگاشته بوده و در سه سال گذشته متنی از این کتاب‌ها

حذف نشده است. وی متذکر شد ا از استادان و صاحب نظران دعوت می‌شود قبل از هر نقد و نظری درباره ساختار و محتوای کتاب‌های فارسی به راهنمای معلم کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی دوره اول و دوم متوسطه مراجعه کنند تا از سرفصل‌ها و موضوعات مصوب برنامه آگاهی داشته باشند. هر متنی که در کتاب آمده منطبق بر منطق برنامه درسی بوده است. محمد پارسا نسب از مؤلفان کتاب‌های درسی در گفتگو با ایسنا، با بیان این‌که در جریان کامل حذف متون کتاب‌های درسی نیست، گفت: هر بلایی می‌خواهند سسر کتاب‌های درسی می‌آورند، برایشان مهم نیست.

این استاد دانشگاه افزود: ما آن کتاب‌ها را بیسان این‌که در جریان کامل حذف متون کتاب‌های درسی نیست، گفت: هر بلایی می‌خواهند سسر آن می‌آورند. آنها به صورت خصمی برای تألیف کتاب قرارداد می‌یستند و بعد رابطه مؤلف با

ارتباطی نباشد، به صورت کاغذی یا کتاب عرضه می‌نشوند و اگر کسی بخواهد مثلاً میان داده‌های «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» و داده‌های پیمایش فرهنگ کلای فرهنگی» ارتباطی برقرار کند، نمی‌تواند چنین ارتباطی را شکل بدهد.

برای همین در تلاش هستیم یک «اطلس جامع داده‌های فرهنگی» ایجاد کنیم. در واقع «اطلس جامع داده‌های فرهنگی» این امکان را به ما می‌دهد تا داده‌هایی که به شکل‌های مختلف تولید گردیم، به صورت یک دیتای یکپارچه در پایروم تا پژوهشگران و مسؤولان بتوانند مبتنی بر شرط‌هایی که تعیین می‌کنند، از آن داده بگیرند و استفاده کنند.

آگهی دعوت از سهامداران شرکت فراخانمان پارس (سهامی خاص) <p>شماره ثبت: ۱۴۵۲۷۰۲۴۵۲۹۰۱۰۰۲۵۵۲۹۱</p> <p>بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی آنان در شرکت فوق‌الذکر دعوت به‌عمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۶ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌شود، حضور به‌هم رسانند.</p> <p>دستور جلسه:</p> <p>۱-انتخاب مدیران شرکت</p> <p>«هیأت‌مدیره»</p>	
---	--

دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۸ - ربیع الاول ۱۴۴۱ - ۴ نوامبر ۲۰۱۹ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۱۷

واکش سازمان پژوهش به انتشار لیست حذفیات کتاب‌های فارسی

سازمان پژوهش قطع می‌شود. از یک نظم صورتی و دورنی پیروی می‌کند. طبیعتاً زمانی که درس‌ها را جابجا یا حذف می‌کنند قابل به این نظم و نظام نیستند و هر اتفاقی بیفتد قابل نمی‌کند و بالاخره به دانش‌آموز به نحوی پُر می‌شود.

محمدرضا سنگری، نویسنده، پژوهشگر و مؤلف کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی هم که در تألیف کتاب‌های درسی همکاری داشته، گفت: ممکن است دبیران بگویند فلان درس هیچ تناسبی ندارد و قابل تدریس نیست یا درس فیزیکی وجود دارد که می‌تواند جایگزین آن شود یا بچه‌ها از فلان درس لذتی نمی‌برند. پس صفا این‌که در این درس برای فلان شخصیت است که متعلق به جناح این طرف است یا آن طرف یا به چهره‌های قبل از انقلاب برمی‌گردد، در تألیف کتاب‌های درسی مطرح نیست. حال ممکن است برخی نسبت به احساسیت به خرج بدهند که مثلاً این داستان چون برای غلامحسین اسفندی بوده یا این شعر چون غزل ایران یا برای فلان کس می‌شود؛ بر اساس این اهداف مشخص، متون، انتخاب و درس‌ها چیده

و نه از اطلاع می‌دهند. پارسا نسب درباره آسیب‌های حذف شعرها و داستان‌های ادبیات کلاسیک و معاصر بیان کرد: کتاب درسی مجموعه‌ای منسجم است که با هدف خاصی نوشته می‌شود؛ ابتدا اهداف تعریف و جهت‌ها مشخص می‌شوند؛ بر اساس این اهداف، متون، انتخاب و درس‌ها چیده

دکتر پروجودی: تنوع فرهنگی اقوام سرمایه است



فرهنگی اقوام یک فرصت، ارزش و سرمایه است و باید حلقه وصل اقوام ایجاد شود.

در ادامه محمد جواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ضمن تأکید بر ضرورت برگزاری نشست و گرامیداشت آنچه از گذشتگان برای ما به یادگار مانده است، توضیح داد: ما نیز باید در کسب افتخارات برای آیندگان تلاش کنیم تا آنها نیز از اثرات به یادگار مانده از ما به نیکی یادکنند. وی با اشاره به نفوذ فرهنگی درسی، ادامه داد: اگر طی دوره‌ای، فرهنگ حافظ و سعدی توجه نمی‌شد و اشعار آندین سینه به سینه نقل نمی‌شد شاید امروز شاهد ماندگاری آثار این شاعران نبودیم. آذری جهرمی تأکید کرد که امروز ما در هنرمندان بزرگان نیزگان کشور دیار خود هستیم و باید ضمن پرداختن به تاریخ، به بزرگانی که امروز در استان فارس هستند هم توجه کنیم.

آگهی دعوت از سهامداران شرکت فراخانمان پارس (سهامی خاص) <p>شماره ثبت: ۱۴۵۲۷۰۲۴۵۲۹۰۱۰۰۲۵۵۲۹۱</p> <p>بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی آنان در شرکت فوق‌الذکر دعوت به‌عمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۶ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌شود، حضور به‌هم رسانند.</p> <p>دستور جلسه:</p> <p>۱-انتخاب مدیران شرکت</p> <p>«هیأت‌مدیره»</p>	
---	--

برق همه زندگی نیست، امازندگی همه به‌آن وابسته است

شـرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد ا جـرایم عـملیات تـوسعه و ا حداث و اصلاح و بهینه‌سازی شبکه‌های توزیع نیروی برق در محدوده مناطق برق نارمک و افسریه خود را به پیمانکاران واجـد شـرابط و ا کـذار نـماید.

نام منطقه برق	تاریخ	فصلیه
شماره مناقصه	۹۸-۵۱-۵۴۴	۹۸۱۶۱-۵۴۱
موضوع مناقصه	توسعه و احداث و اصلاح و بهینه سازی شبکه های توزیع نیروی برق (تیرهای برق سترن)	توسعه و احداث و اصلاح و بهینه سازی شبکه های توزیع نیروی برق
مبلغ برآورد انجام کار (ریال)	۴۰۸,۶۰۰,۰۰۰	۴,۴۲۳,۶۲۸,۲۹۳
مبلغ ضمانتنامه شرکت در مناقصه (ریال)	۴۰۸,۶۰۰,۰۰۰	۴,۴۲۳,۶۲۸,۲۹۳
مهلت فرشی اسناد		
تاریخ درج بازگشت اسناد مناقصه	ساعت ۱۵ روز یکشنبه تاریخ ۹۸/۰۹/۰۳	ساعت ۱۵ روز یکشنبه تاریخ ۹۸/۰۹/۰۳
تاریخ بازگشت اسناد مناقصه	ساعت ۱۵ روز یکشنبه تاریخ ۹۸/۰۹/۰۳	ساعت ۱۵ روز یکشنبه تاریخ ۹۸/۰۹/۰۳
محل تحویل و بازگشت اسناد	تور خیابان دماوند نمایش خیابان وحیدیه - منطقه برق نارمک - اداره دبیر خانه و محل کشایش باکت اسناد مناقصه	تور خیابان دماوند نمایش خیابان وحیدیه - منطقه برق نارمک - اداره دبیر خانه و محل کشایش باکت اسناد مناقصه

نوع سپرد **دشـرکت در مناقصه:** صورت ضمانت نامه بانکی و یا چک تضمین شده‌بانکی و یا وارزوجه به‌حساب جاری کسـترا ۰۴/۱۷۱۰۱۰۱۸۰۱ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بابت صادرات شـعبه مـالحدرا و با مـطالبات ثبت و تأیید شده‌نزد امور مالی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند

به پیشنهادهای فادد سپرده، سپرده‌های خودش، سپرده‌ها کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر نخواهد شد.
مبلغ فروش اسناد: جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال بصورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت شرکت به نشانی: http://moamelat.tbbb.ir ثبت نمیشود.
مبلغ قرارداد: مبلغ ۲۴ ساعته به پیشنهادی فاقد اسناد، مشروط خودش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

نوع سپرد **دشـرکت در مناقصه:** صورت ضمانت نامه بانکی و یا چک تضمین شده‌بانکی و یا وارزوجه به‌حساب جاری کسـترا ۰۴/۱۷۱۰۱۰۱۸۰۱ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بابت صادرات شـعبه مـالحدرا و با مـطالبات ثبت و تأیید شده‌نزد امور مالی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند

به پیشنهادهای فادد سپرده، سپرده‌های خودش، سپرده‌ها کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر نخواهد شد.
مبلغ فروش اسناد: جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال بصورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت شرکت به نشانی: http://moamelat.tbbb.ir ثبت نمیشود.
مبلغ قرارداد: مبلغ ۲۴ ساعته به پیشنهادی فاقد اسناد، مشروط خودش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

نوع سپرد **دشـرکت در مناقصه:** صورت ضمانت نامه بانکی و یا چک تضمین شده‌بانکی و یا وارزوجه به‌حساب جاری کسـترا ۰۴/۱۷۱۰۱۰۱۸۰۱ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بابت صادرات شـعبه مـالحدرا و با مـطالبات ثبت و تأیید شده‌نزد امور مالی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند

به پیشنهادهای فادد سپرده، سپرده‌های خودش، سپرده‌ها کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر نخواهد شد.
مبلغ فروش اسناد: جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال بصورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت شرکت به نشانی: http://moamelat.tbbb.ir ثبت نمیشود.
مبلغ قرارداد: مبلغ ۲۴ ساعته به پیشنهادی فاقد اسناد، مشروط خودش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

نوع سپرد **دشـرکت در مناقصه:** صورت ضمانت نامه بانکی و یا چک تضمین شده‌بانکی و یا وارزوجه به‌حساب جاری کسـترا ۰۴/۱۷۱۰۱۰۱۸۰۱ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بابت صادرات شـعبه مـالحدرا و با مـطالبات ثبت و تأیید شده‌نزد امور مالی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند

به پیشنهادهای فادد سپرده، سپرده‌های خودش، سپرده‌ها کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر نخواهد شد.
مبلغ فروش اسناد: جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال بصورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت شرکت به نشانی: http://moamelat.tbbb.ir ثبت نمیشود.
مبلغ قرارداد: مبلغ ۲۴ ساعته به پیشنهادی فاقد اسناد، مشروط خودش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

سید محمد علی شاهین

شفافیت: راه نجات اقتصاد ایران

در میان تمام تئوری‌های و صحبت‌های عالمانه و کارشناسی برای یافتن یک فرمول درخصوص درمان و نجات اقتصاد ایران از وضعیت موجود، نگاهی به ساختارهای اقتصاد کشور نشان می‌دهد بیامیزی‌های آن و علل ایجاد این بیامیزی‌ها آنقدر ناشناخته و زیرپوستی هستند که شاید همه پزشکان را به اشتباه بیندازد.

در ادامه، نگاهی دقیق‌تر این واقعیت را آشکار می‌سازد که شاید آن افراد با عواملی که باعث ایجاد بیامیزی‌های اقتصاد ایران هستند، عدامدان نمی‌خوانند. غلی این بیامیزی‌ها روشن شود و لذا یا در تلاشند تا بیامیزی‌ها را مخفی کنند یا با مسکن آنرا آرام می‌سازند یا درباره علت و علل آن آدرس غلط می‌دهند و سرانجام با گل آلود کردن دامن آب و با استفاده از عبارت معروف «شرایط حساس کنونی» جلوی رسیدگی جامع و موثکفانه به آن را می‌گیرند. این چنین است که می‌توان نتیجه گرفت گفرت گفرت دارو و فرمول نجات بخش اقتصاد ایران شفافیت! است و بی‌بی‌به عبارت بهتر اقتصاد کشور مانند بدن بیمار است که پزشک نمی‌داند داخل آن چه خبر است؛ البته برخی علامت بالینی نوع بیماری را در حکایت می‌کند اما جالب اینجاست که خود بیمار یا برخی همراهان و ناگزین اجاره عمکی و آزمایش را درون بدن را نمی‌دهد، چرا که روشن است آن آشکار شدن آنچه در درون بدن بیمار می‌گذرد، آسیب می‌بینند. لذا همراهه و با تمام قوا تلاش دارند. بیمار را از هرگونه آمار آزی و رادیولوژی و آزمایش و نمونه برداری و آزمایش دور نگه دارند و در نهایت و زمانی که درد به اوج می‌رسد یا بیمار بی‌قرار می‌شود، از پزشک تقاضای مسکن قوی یا سرم می‌کنند. نگاهی به ساختارهای اقتصاد ایران کلاش را با دهنه شدید یاد شده تا حد جد است. چرا که افکار عمومی واقعا از آنچه در اقتصاد می‌گذرد و باعث تغییر و کاهش سطح زندگی و درآدمشان به عنوان یک بیامیزی می‌شود، بی‌خبرند و عوامل آنرا نمی‌شناسند و متأسفانه ساختارهای حاکمیت هم نه تنها میلی به آشکار کردن این عوامل ندارد که با تمام قوا به پنهان‌کاری آنها کمک می‌کنند.

مثال‌ها در این‌باره فراوان و درآرور است. اینکه دارایی مسئولان کشور مخفی است، منابع درآمدی و بودجه‌ای در اختیار آنان روشن نیست، امتیازات مختلفی که در اختیار خانواده و به‌خصوص فرزندانشان یا زن‌های خوب قرار دارد، مشخص است. میزان نفوذ آقاقلاده در معاملات و مناقصه‌های دولتی روشن نیست، بخش بزرگی از حجم اقتصاد ایران در اختیار مفهوم ناروشی‌ها یا خصوصی‌ها است که معلوم نیست صاحب آن کیست و سوده‌های هنگفت آنان به جیب چه کسی می‌رود و مدیران آنان توسط چه کسانی و بر اساس چه معیارهایی تعیین می‌شوند، اینکه همهپهای دانشگاهی ناشفاف است، گزینش دانشجوی برای پورس‌های خارج کشور فرآیندی مخفیانه دارد، اینکه فرایند ورود مدیر به دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی ناشفاف و به شدت تاریک است، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌ها حاضر نیستند هویت اصلی و حقیقی افرادی که ارز ۴۲۰۰ تومانی را کلاش را با دهنه بسیار قیمت فروخته‌اند را اعلام کنند، اینکه مردم نمی‌دانند چرا کالاهای اساسی که با ارز آزاد وارد می‌شود یا دهنه برابر قیمت به دستشان می‌رسد و از عنوان مهم دلالات و واسطه‌ها هیچ‌گاه بی‌خبر می‌شوند، اینکه هویت وارد کنندگان کالاهای مختلف مخفی نگه داشته می‌شود، ستاره مریم‌ها مخفیانه بر صورتحساب تلفن همراه مردم می‌افزایند و سوده‌های میلیاردی می‌برند، اینکه تعیین قیمت خودروها ناشفاف است، اینکه کسی از آنچه در درون بانک‌ها و وام‌های میلیاردی بی‌پوشه‌های که داده می‌دهند، خبر ندارد و صدها هزار خان ملک دیگر، نشان نمی‌دهد اقتصاد ایران ناشفاف است و حتی می‌توان گفت عمداً ناشفاف نگه داشته شده است.

و این تان چارچوب می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌گذاران ارشد باید پذیرند که کشورهایی توسعه یافته بخش بزرگی از دستاوردهایشان را مدیون شفافیت هستند. چرا که شفافیت است که حاکمیت قانون به همراه می‌آورد اگر می‌بینیم فیش حقوقی و مالیات فالان رئیس جمهوری به راحتی توسط یک فرد عادی قابل مشاهده است یا فالان وزیر را به‌بخاطر استفاده شخصی از تلفن همراه دولتی را کنار کرده‌اند، اینها ضمن سلامت و حساب کشی از حاکمان است که سیستم را قاطعاً صذر و رأس سالم نگاه می‌دارد تا بدنه خود به خود سالم شود. لذا تا زمانی که سیاست‌گذار اسناد شفاف سازی اقتصاد ایران را یکله نزنند، این اقتصاد درمی‌نشو نخواهد بود، البته شفافیت سخت است، چرا که باافاصله با خود پاسخگوی به همراه می‌آورد و البته سلب امتیازات خاص از خود و سایر سیاستگنایی سببی، نسنی، دواستان و یاران سیاسی، اما کسانی که به آینده کشور و رفاه مردم و سعادت ایران می‌اندیشند این شفافیت را از خود شروع می‌کنند تا این مبارزه شود و دشوار که چه بسا به کوهن کشی فرهاد می‌ماند، به سرانجام برسد. این چنین است که باید گفت اقتصاد ایران فعلا راجعل متعارف اقتصادی ندارد و در گرو تصمیم و عزم سیاسی است و البته این عزم بر پایه شفافیت و قرار دادن همه چیز در اتاق شیشه‌ای یا در شمر شرایط تحریمی، چندین و خواهم دید که منابع برای مردم حتی به همین شرایط تحریمی، چندین و چند برابر آنچه الان هست، خواهد بود و کمبودی هم در کار نخواهد بود.

(سید علی دوستی موسوی)

آگهی مزایده عمومی انواع ضایعات

شرکت داروسازی شهید قاضی

شرکت داروسازی شهید قاضی(سهامی عام) درنظر دارد نسبت به فروش انواع ضایعات به شرح ذیل اقدام نماید:

۱-خود ضایعات: پلی اتیلن، پلی پروپیلنی، گونی پلاستیکی، پاکت پلاستیک، کستروز، پلاستیکی لافاف، پالت، مخلوط گرانول و مواد آسبایی، پالت پلاستیکی مشکی، مواد آسبایی وپری قرم بطری PP.GF، سطرطی را و درپوش و رابر پلاستیکی، پلی پرو پیلن نمونه و...

۲-مهلث دریافت اسناد مزایده و پذیرش پیش‌نهادها:

تعلیلی رسمی)
تاریخ و ساعت بازدید: همه روزه از ساعت ۱۲ الی ۳

۳-محل دریافت اسناد مزایده:

به طرف تهران –وروری مرکز آموزش جهاد کشاورزی– خیابان سرم‌دارو، واحد تدارک‌ات‌شرکت.
ضمناً اسناد مزایده در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.Sgco.infusion.com نیز قابل مشاهده می‌باشد.

۴-تاریخ وساعت بازدید:

همه روزه از ساعت ۱۰ جاده تبریز

به طرف تهران –وروری مرکز آموزش جهاد کشاورزی– خیابان سرم‌دارو، واحد تدارک‌ات‌شرکت.

ضمناً اسناد مزایده در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.Sgco.infusion.com نیز قابل مشاهده می‌باشد.

۵-محل دریافت اسناد مزایده:

به طرف تهران –وروری مرکز آموزش جهاد کشاورزی– خیابان سرم‌دارو، واحد تدارک‌ات‌شرکت.

ضمناً اسناد مزایده در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.Sgco.infusion.com نیز قابل مشاهده می‌باشد.

۶-تاریخ وساعت بازدید:

همه روزه از ساعت ۱۰ جاده تبریز

به طرف تهران –وروری مرکز آموزش جهاد کشاورزی– خیابان سرم‌دارو، واحد تدارک‌ات‌شرکت.

ضمناً اسناد مزایده در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.Sgco.infusion.com نیز قابل مشاهده می‌باشد.

۷-تاریخ وساعت بازدید:

همه روزه از ساعت ۱۰ جاده تبریز

به طرف تهران –وروری مرکز آموزش جهاد کشاورزی– خیابان سرم‌دارو، واحد تدارک‌ات‌شرکت.

ضمناً اسناد مزایده در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.Sgco.infusion.com نیز قابل مشاهده می‌باشد.

۸-تاریخ وساعت بازدید:

همه روزه از ساعت ۱۰ جاده تبریز

به طرف تهران –وروری مرکز آموزش جهاد کشاورزی– خیابان سرم‌دارو، واحد تدارک‌ات‌شرکت.

ضمناً اسناد مزایده در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.Sgco.infusion.com نیز قابل مشاهده می‌باشد.

۹-تاریخ وساعت بازدید:

همه روزه از ساعت ۱۰ جاده تبریز

به طرف تهران –وروری مرکز آموزش جهاد کشاورزی– خیابان سرم‌دارو، واحد تدارک‌ات‌شرکت.

ضمناً اسناد مزایده در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.Sgco.infusion.com نیز قابل مشاهده می‌باشد.

دیپرخانه کمیسیون معاملات

تلفن: ۸۸۶۷۱۱۱۶-۱۷

رئیس انجمن مدیریت کیفیت: هنوز قانون کیفیت در ایران تاکنون تدوین نشده‌است

برخلاف تصور عمومی از وجود قوانین متعدد در مورد الزام رعایت کیفیت در تولید کالا و خدمات، تاکنون قانونی یا این محتوا در ایران تدوین نشده است.

مهندس فرزین انتصاریان رئیس انجمن مدیریت کیفیت ایران درپروژد آستانه روز جهانی کیفیت به خبرنگاران گفت: مجموعه قوانینی که تاکنون با هدف الزام رعایت کیفیت تولید کالا و خدمات در ایران تدوین شده، صرفا با رویکرد تنظیم وظایف دستگاه های مجری قانون و ضابطین کنترل کیفیت است و محتوای آنها هرگز اهمیتی برای توسعه کیفیت در ایران نیست.وی گفت:متأسفانه در ایران حتی قانون دقیقی برای تعیین حدود ظرفیت تولیدکنندگان و فروشندگان و همچنین حقوق مصرف‌کنندگان و نحوه جریان خسارت وارده به آنها وجود ندارد.

صدور دستور ترخیص ۱۰۴۸ خودرو دپو شده در گمرک

بعد از رازینی‌های انجام‌شده برای ترخیص خودروهای دپو شده، سرانجام وزیر صنعت، معدن و تجارت دستور ترخیص ۱۰۴۸ خودرو پروانه شده مانده در گمرک را صادر کرد.

به گزارش ایسنا، بعد از پایان مهلت ترخیص خودروهای دپو شده، حدود ۱۰۴۸ دستگاه با وجود دریافت پروانه گمرکی، به دلیل پایان مهلت تعیین شده، مجوز ترخیص را دریافت نکردند.

به چند ماه گذشته رازینی‌های از سوی گمرک ایران با دستگاه‌های مربوطه انجام و پیشنهاداتی در رابطه با دریافت پروانه گمرکی، به دلیل پایان مهلت تعیین شده، در گمرک خارج نبود. در همین حال مهرداد جمال اورتقی معاون گمرک ایران اعلام کرد: به دنبال دستور وزیر صعت برای ترخیص خودروهای دارای پروانه، صاحبان آنها می‌توانند از امروز برای تحویل خودروهای خود اقدام کنند.

برنامه وزارت نیرو برای تشویق مردم به تولید و فروش برق

دولت درصدد است تا با ارائه تسهیلات ویژه، خانوارها را به تولید و فروش برق تشویق کند.
مهندس سیدمحمد صادزاده معاون وزیر نیرو رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهرپوری برق ایران درپروژد جمع خبرنگاران با اشاره به استقبال مردم از احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر پشت بامی، گفت: این نیروگاه برای احداثدهد ۵ مایانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان درآمد به همراه دارد.

وی بـا بیان اینکه ما برق تولیدی این نوع نیروگاه‌ها را به ازای هر کیلووات سـاعت به ۱۰۰۰ تومان خریداری می‌کنیم، خاطر نشان ساخت: میزان افزایش سقف نیروگاه‌های خورشیدی پشت بامی به ۱۰ کیلو وات رسیده و مردم می‌توانند با هزینه‌ای حدود ۱۵ میلیون تومان از این نوع نیروگاه برام خانه‌های خود نصب کرده و از منافع آن بهره‌مند شوند.
صادق زاده ادامه داد: همه

وی بـا بیان اینکه ما برق تولیدی این نوع نیروگاه‌ها را به ازای هر کیلووات سـاعت به ۱۰۰۰ تومان خریداری می‌کنیم، خاطر نشان ساخت: میزان افزایش سقف نیروگاه‌های خورشیدی پشت بامی به ۱۰ کیلو وات رسیده و مردم می‌توانند با هزینه‌ای حدود ۱۵ میلیون تومان از این نوع نیروگاه برام خانه‌های خود نصب کرده و از منافع آن بهره‌مند شوند.

صادق زاده ادامه داد: همه

آگهی فروش اخوان عمومی فروش قطعات زمین با کاربری‌های مختلف صنعتی تجاری مسکونی

شرکت شهر صنعتی کاوه در نظر دارد در شهر صنعتی و منطقه ویژه اقتصادی کاوه، واقع در کیلومتر ۱۲۰ آزادراه تهران –ساوه (۱۰ کیلومتری شهرستان ساوه) قطعات زمین در مساحت‌های متنوع با کاربری‌های مسکونی، تجاری و صنعتی (در زون‌های فلزی، دارویی، شیمیایی، سلولزی و نساجی، برق و الکترونیک غذایی و کانی غیر فلزی) بر اساس قیمت‌های مصوب سال ۹۸ با شرایط نقد و اقساط به فروش رساند.

صاحبان صنایع، تجار و سایر متقاضیان حائز شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات لازم و آگاهی از شرایط و مشخصات دقیق قطعات قابل واگذاری و... به واحد سرمایه‌گذاری، بازاریابی و فروش شرکت شهر صنعتی و منطقه ویژه اقتصادی کاوه و در تهران- میدان آرژانتین، بلوار بهقی، قطعات شش‌دانگ هم شرقی پلاک ۱۶ مراجعه نمایند و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۱۹- ۳۱۸-۲۱۸۸۷۳۰۳ داخلی ۱۱۴ تماس حاصل نمایند.

شرکت شهر صنعتی کاوه

صاحبان صنایع، تجار و سایر متقاضیان حائز شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات لازم و آگاهی از شرایط و مشخصات دقیق قطعات قابل واگذاری و... به واحد سرمایه‌گذاری، بازاریابی و فروش شرکت شهر صنعتی و منطقه ویژه اقتصادی کاوه و در تهران- میدان آرژانتین، بلوار بهقی، قطعات شش‌دانگ هم شرقی پلاک ۱۶ مراجعه نمایند و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۱۹- ۳۱۸-۲۱۸۸۷۳۰۳ داخلی ۱۱۴ تماس حاصل نمایند.

آگهی فروش ویژه املاک به صورت مزایده با اقساط بلندمدت وبدون کارمزد

شرکت احداث و بهره‌برداری آزاد راه تهران –شمال

در نظر دارد نسبت به واگذاری به صورت اجاره برای حدود ۷۰۰ (هفتصد) هکتار از اراضی زراعی خود واقع در استان اردبیل، شهرستان پارس آباد، به منظور کاشت محصولات استراتژیک (به شرح اسناد) بر اساس مفاد اسناد این مزایده به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط اقدام نماید.

شرکت کنندگان واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱۶ لغایت ۱۳۹۸/۸/۱۶ به آدرسهای ذیل مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند. همچنین شرکت کنندگان می‌توانند تا پایان وقت اداری روز یک شنبه تاریخ ۱۳۹۸/۸/۲۶ پیشنهادهای خود را به آدرس های ردیف های ۱ و ۲ ذیل تحویل و رسید آن را اخذ نمایند.

۱- تهران، خیابان شهید دکتر عباسپور (توانیر)، نبش کوچه گیتا، پلاک ۸، دبیرخانه کمیسیون معاملات.

۲- اردبیل، شهرک آری بعثت، سازمان جهاد کشاورزی استان –مدیریت شعبه شرکت شهرکهای کشاورزی.

۳- سایت اینترنتی شرکت به آدرس: www.apcpr.ir

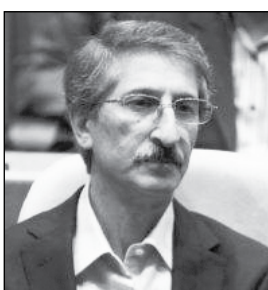
تاریخ و محل بازگشایی پاکت بازرش ساعت ۱۲ روز دوشنبه به تاریخ ۱۳۹۸/۸/۲۷ به آدرس: تهران – خیابان شهید دکتر عباسپور (توانیر) – نبش کوچه گیتا- پلاک ۸- طبقه سوم- اتاق جلسات.

– هزینه درج دو نوبت آگهی در روزنامه اطلاعات به عهده برنده مزایده می‌باشد.

دیپرخانه کمیسیون معاملات

تلفن: ۸۸۶۷۱۱۱۶-۱۷

اخبار اقتصادی



های ناشی از جرائم مالی گرانفروشی به حساب خزانه پرداخت می‌شود و اینجا خسارت مصرف‌کننده جریان نمی‌شود، بنابراین در حال حاضر دولت باید در تدوین قانون تجارتی که به حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده به صورت یکپارچه می‌پردازد، اقدام کرد. وی تصریح کرد: قانون تعزیرات حکومتی، دولت را موظف می‌کند اقداماتی را در جهت حفظ امنیت و

۴۰ درصد اقتصاد از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف است

در سال جاری نزدیک به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از محل عوارض و مالیات بر ارزش افزوده پیش‌بینی درآمد شد که طبق آمار احتمالاً بیش از ۹۰ درصد آن را تا پایان سال اخذ کنیم.

محمد مسیحی معاون مالیات بر ارزش افزوده سازمان امور مالیاتی در گفتگو با رادیو درباره آخرین وضع لایحه مالیات بر ارزش افزوده گفت: بررسی لایحه اصلاح و دائمی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده به تعطیلات بعد از مجلس موکول شده و قرار است برخی از ابهامات موارد این لایحه در کمیسیون اقتصادی بررسی شود و امورایوم این لایحه با اولویت همچنان در مسطور کار نمایندگان مجلس باشد.وی تصریح کرد: همه نظام‌های مالیاتی دنیا با دو پدیده مواجه هستند؛ یکی شکاف ناشی از سیاست‌گذاری و دیگری بحث فرار مالیاتی. یعنی آن چیزی که بین توان بالقوه و توان بالفعل مالیاتی شکاف ایجاد می‌کند، این دو پدیده است. شکاف سیاست‌گذاری شامل قانون‌گذاری، ظرفیت است و بحث عمده‌ای از آن دربرگیرنده معافیت‌های مالیاتی است و حالا آن بخش عمده‌ای که دربرگیرنده معافیت‌های مالیاتی است، در کنار فرار مالیاتی وجود همه‌هستند که بین ظرفیت بالقوه و بالفعل آن فاصله ایجاد می‌کند. مسیحی ادامه داد: نکته جالبی که بین این دو پدیده وجود دارد، رابطه مستقیمی بین این دو پدیده است. یعنی هر چقدر ما حجم معافیت مالیاتی را در اقتصاد کشورمان افزایش بدهیم ناخودآگاه چون این پایه مشمول مالیات را ضعیف کردیم، آن بخش مشمول هم سعی می‌کند با ترفندهای مختلف از پرداخت مالیات فرار کند. پس معافیت مالیاتی صرفاً این نیست که ما یک بخشی را معاف کنیم بلکه در عین حال شرایط را به مشی مشمول مالیات هم زیاد خواهیم کرد و این مساله باعث فرار مالیاتی می‌شود.

وی با بیان اینکه هر کشوری با توجه به اقتضات و میزان سرمایه‌گذاری و اولویت‌های اقتصاد خود ممکن است بخشی را از پرداخت مالیات معاف کرده باشد، گفت: الان عملاً بیش از ۴۰ درصد اقتصاد کشور در پرداخت مالیات هم در حوزه مالیات بر ارزش افزوده معاف است. در این شرایط بیش از این می‌رود که در فرایند بررسی، اصلاح و دائمی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده، این ۴۰ درصد به نزدیک ۵۰ درصد هم افزایش پیدا کند و این کار فرار مالیاتی را بیشتر خواهد کرد.

معاون سازمان امور مالیاتی اظهار داشت: الان در بیش از ۷۰ درصد کشورهای مجری مالیات بر ارزش افزوده،

به ویژه در دو سه سال اخیر بار داریم.

رئیس انجمن مدیریت کیفیت: هنوز قانون کیفیت در ایران تاکنون تدوین نشده‌است

منافع مصرف‌کنندگان انجام دهد و بیشتر در خصوص فعالیت‌های سازمان تعزیرات است و حقوق مصرف‌کننده کنونی مصرف‌کننده اگر در نتیجه استفاده از یک کالای معیوب خسارت ببیند باید در دادگاه قضایی شکایت کند و نیازمند صرف وقت و هزینه زیاد است. وی گفت: قانون تعزیرات تجارتی و تولیدکنندگان در آن دیده نشده است. وی گفت: این قانون در واقع قانون تجارت نیست، بلکه قانون بنگاه‌های تجاری است و مواردی مانند ارسال، ثبت، تعطیلی، انحلال یا ورشکستگی این بنگاه‌ها در آن دیده شده است.

رئیس انجمن مدیریت کیفیت ایران با بیان اینکه در این قانون مطلبی در مورد قوانین ناظر بر رفتار بازرگانان و تولیدکنندگان دیده نشده‌است، عنوان کرد: مواردی مانند قانون قرارداد، قانون

نرخ مؤثر این نوع مالیات بیشتر از ۱۵ درصد است اما همه این‌ها در سبد درآمد‌های مالیاتی شان سهم مالیات بر ارزش افزوده بین ۳۰ نهایتاً تا ۵۰ درصد است. توجه کنید که مبانی مالیات بر ارزش افزوده با مبانی حوزه مالیات‌های مستقیم فرق دارد و اساساً کارکرد معافیت‌ها در حوزه مالیات بر ارزش افزوده بسیار متفاوت است و بعضاً مغایر با حوزه مالیات‌های مستقیم است.وی گفت: در تمام کشورهای مجری ارزش افزوده اساساً معافیت در حوزه ارزش افزوده چندان مفهوم ندارد، مگر با اعمال نظر به محدودیت، یکی آنجایی که هزینه‌های اجرایی قانون زیاد می‌شود؛ به طور مشخص در حوزه کشاورزی و دیگری بحث حمایت از سبد مصرفی خانوار است.

مسیحی ادامه داد: در سال جاری نزدیک به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از محل عوارض و مالیات بر ارزش افزوده پیش‌بینی درآمد شده که احتمال دارد ما بتوانیم بیش از ۹۰ درصد آن را تا پایان سال اخذ کنیم. وی با اشاره به اینکه بخش عمده‌ای از آن دربرگیرنده معافیت‌های مالیاتی است و بحث فرار مالیاتی وجود همه‌هستند که بین ظرفیت بالقوه و بالفعل آن فاصله ایجاد می‌کند. مسیحی ادامه داد: نکته جالبی که بین این دو پدیده وجود دارد، رابطه مستقیمی بین این دو پدیده است. یعنی هر چقدر ما حجم معافیت مالیاتی را در اقتصاد کشورمان افزایش بدهیم ناخودآگاه چون این پایه مشمول مالیات را ضعیف کردیم، آن بخش مشمول هم سعی می‌کند با ترفندهای مختلف از پرداخت مالیات فرار کند. پس معافیت مالیاتی صرفاً این نیست که ما یک بخشی را معاف کنیم بلکه در عین حال شرایط را به مشی مشمول مالیات هم زیاد خواهیم کرد و این مساله باعث فرار مالیاتی می‌شود.

وی با بیان اینکه هر کشوری با توجه به اقتضات و میزان سرمایه‌گذاری و اولویت‌های اقتصاد خود ممکن است بخشی را از پرداخت مالیات معاف کرده باشد، گفت: الان عملاً بیش از ۴۰ درصد اقتصاد کشور در پرداخت مالیات هم در حوزه مالیات بر ارزش افزوده معاف است. در این شرایط بیش از این می‌رود که در فرایند بررسی، اصلاح و دائمی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده، این ۴۰ درصد به نزدیک ۵۰ درصد هم افزایش پیدا کند و این کار فرار مالیاتی را بیشتر خواهد کرد.

معاون سازمان امور مالیاتی اظهار داشت: الان در بیش از ۷۰ درصد کشورهای مجری مالیات بر ارزش افزوده،

تغییرات صندوق سرمایه گذاری اختصاصی بازارگردانی امید ایرانیان

وفق مصوبه مجمع مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۲ صندوق سرمایه‌گذاری اختصاصی بازارگردانی امید ایرانیان و مبلغ ۱۲۲/۵۶۱۰۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۲ سازمان بورس و اوراق بهادار، تغییرات ذیل در امیندنامه صندوق مزبور صورت پذیرفت:

۱- افزایش شدن سهام شرکت توسعه مولد نیروگاهی جهرم با نماد "بچهرم" به بند ۲-۲-۲ امیندنامه؛

۲- تغییرات بازارگردانی اوراق مذکور در بند فوق الذکر به شرح جدول زیر

۳- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۴- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۵- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۶- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۷- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۸- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۹- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۰- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۱- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۲- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۳- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۴- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۵- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۶- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۷- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۸- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۱۹- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۰- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۱- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۲- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۳- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۴- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۵- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۶- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۷- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۸- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۲۹- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۳۰- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۳۱- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۳۲- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۳۳- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۳۴- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir

مراجعه نمایند.

۳۵- اقساط بلند مدت و فوق العاده در آردس https://smofund.ir



۴۱۸
شصتمین جشنواره اجتماعی روزنامه اطلاعات
دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۶۱۷

• الگوهای ناروا
• چه قدر خویشیم ما!
• دیدار با آقای قاجار



زیر گذر اینترنت

چه قدر خوبیم ما!

محبوب دل خانواده و معلمان هستند؟! چرا آن بچه‌ای که هر چیزی را قبول نمی‌کند، سؤال می‌پرسد و مجیز کسی را نمی‌گوید می‌شود مشکل ساز و منفور؟! چرا فرهنگ ایرانی سربه‌زیر بودن را ارزش می‌داند؟

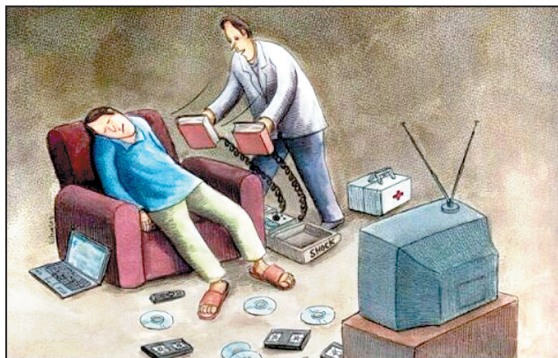
«گل نسا» گفته: «از نظر من این که روی حرف بزرگ‌تر نباید حرف زد از اشتباه‌ترین مسایلی است که در فرهنگ شرقی وجود دارد. تا یک سنی والدین به بچه‌ها آموزش می‌دهند و بزرگشان می‌کنند. از یک سنی به بعد بچه‌ها می‌توانند افکار غلط بزرگ‌ترها را شناسایی کنند و به‌روز فکر کردن را به آنها یاد بدهند. این نشانه بی‌احترامی نیست.»

اما چه راهکارهایی برای فرهنگ‌سازی وجود دارد؟ «پریچهر» به نکته خوبی اشاره می‌کند: «بیشتر مطالبی که تحت عنوان آموزش فرهنگ عمومی منتشر می‌شوند، با فعل مخاطب و دستوری‌اند. انگار فرض گرفته‌ایم که همیشه «دیگران بی‌فرهنگ»ی هستند که ما باید آموزششان بدهیم. به جای «بوق نزنید» از «بیا بوق نزنیم» استفاده نمی‌کنیم، چون احتمالاً عادت کرده‌ایم خطاکار را در جایگاه متهم بنشانیم و با نگاه بالا به پایین به او امر کنیم.» «کوتلاس» راه حل خشونت‌باری دارد: «باورم نمی‌شود که در سال ۲۰۱۹ هنوز مسأله زباله ریختن در مکان‌های عمومی برای ما حل نشده است. فکر می‌کنم دیگر باید از راه خشونت‌آمیز وارد شویم، مثلاً وقتی دیدیم کسی آشغال ریخت برویم آشغال را برداریم بزنیم توی صورتش و مجبورش کنیم آن را بخورد. به گمانم جواب می‌دهد!»

«هرمس» می‌گوید: «۱۰ سال کتاب‌فروشی کرده‌ام و در جهت ترویج کتاب‌خوانی در کشور کوشیده‌ام. الان به این نتیجه رسیده‌ام که بین کتاب‌خوانان و شعور شخصی و فرهنگ عمومی چندان ارتباطی وجود ندارد و اساساً جانداختن چنین رابطه‌ای محصول فرهنگ بورژوازی است. نمونه‌های بی‌شعوری و بدفرهنگی در جماعت کتاب‌خوان کمتر از باقی [جامعه] نیست!»

اما «مهتاب» از قول ویکتور هوگو نوشته است: «برای نابود کردن یک فرهنگ نیازی نیست که کتاب‌ها را بسوزانید، کافی است کاری کنید مردم آنها را نخوانند!»

در همین راستا «مینا» هم با به اشتراک گذاشتن کاریکاتور زیر نوشته: «برای کشتن یک جامعه روشی ساده به کار بگیرید، بر فرهنگ آنان تمرکز کنید. ابتدا کتاب را از آنها بگیرید و بعد سرشان را درون تلویزیون فرو کنید!»



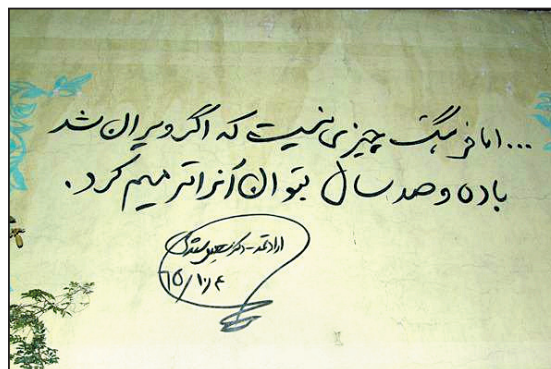
در نهایت «امید توشه»، روزنامه‌نگار سابق، پرسشی دارد: «دروغ، ریا و بی‌اخلاقی بیداد می‌کند. میلیاردها تومان بودجه فرهنگ در چاه ویل سفارشات یک عده خاص ریخته شده و جای ارتقای فرهنگ، شکم و جیب از ما بهتران فربه می‌شود. در این شرایط چگونه فرهنگ عمومی جامعه ارتقا می‌یابد؟»

یکی از پرطرفدارترین موضوعات در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران، موضوع فرهنگ و بی‌فرهنگی است. عده‌ای با ته‌مایه‌ای از خودشیفتگی و نژادپرستی، با اشاره به هوش و اصالت و شکوه آریایی می‌گویند «چه قدر خوبیم ما!» که عنوان کتابی از «ابراهیم رها»ی طنزپرداز است. عده‌ای با اشاره به این که «گیرم پدر تو بود فاضل، از فضل پدر تو را چه حاصل؟» به کتاب «بی‌شعوری» نوشته «خاویر کرمنت» استناد می‌کنند که درباره تجاوز به حقوق دیگران است و فهرستی از این رفتارها را در جامعه ایرانی ردیف می‌کنند.

«سیامک قاسمی» نوشته: «از حکومت و دولت که انتقاد می‌کنی، می‌شوی محبوب قلب‌ها. از فرهنگ عمومی، ناهنجاری‌ها و تله‌های رفتاری مردم نازنین که انتقاد می‌کنی، غرور آریایی همان قلب‌ها جریحه‌دار می‌شود! به آیین نگاه کنیم و با خودمان صادق باشیم، اگر آنها خیلی ایراد دارند که دارند، ما هم کم ایراد نیستیم!»

«وفا» اما اعتقاد دارد: «چیزی به نام خرده‌فرهنگ داریم که از پایین به بالا عمل می‌کند و خیلی زمان می‌برد تا به فرهنگ عمومی تبدیل شود ولی فرهنگ عمومی معمولاً توسط دولت‌ها آموزش داده می‌شود یا بستر آموزش توسط دولت آماده می‌شود.»

«حاج مجید سوزوکی» نوشته: «یک قانون نانوشته هست که می‌گوید اگر بی‌شعور، بی‌فرهنگ، بی‌سواد و پولدار باشی، هیچ‌کس نمی‌فهمد که بی‌شعور و بی‌فرهنگ و بی‌سوادی.»



«پیام شعبانی»، تصویر دست‌نویس استاد جعفر شهیدی، استاد و پژوهشگر برجسته ادبیات در مورد ضرورت پاسداری از فرهنگ را به اشتراک گذاشته که بر روی دیوار کتابخانه عمومی شهیدی در نارمک تهران نقش بسته است.

برخی از کاربران به بیان رفتارهایی پرداخته‌اند که از نظر آنها نشانه بی‌فرهنگی است. «وارش» گفته: «فقط یک بی‌فرهنگ ساعت ده شب به بعد به دیگران زنگ می‌زند، البته به‌جز موارد خاص.»

«هپروت» نوشته: «اوج هنر و فرهنگ و تمدن را فقط فقط می‌توانید روی درِ توالت‌های عمومی ببینید!»

«خانم بهار» به نکته دیگری اشاره کرده: «نگاهی به وضعیت مترو کافی است تا یکی بفهمد چه ملت بی‌فرهنگی هستیم.»

«دخترک زرد آسمونی» هم معتقد است: «بی‌فرهنگ‌ترین موجودات جهان کسانی هستند که ظاهر دیگران را قضاوت می‌کنند.»

برعکس، برخی دیگر از کاربران به رفتارهای اشتباهی اشاره کرده‌اند که در فرهنگ ما پسندیده شمرده می‌شوند.

«بی‌سفر» پرسیده: «چرا همیشه بچه‌های ساکت و مظلوم و توسری‌خور

میدان مشق

خودت را تغییر بده!



• ارمان زمان فشمی

چهاردهم آبان ماه، روز فرهنگ عمومی نامیده شده است. فرهنگ عمومی چیست؟ مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی که هر یک از ما به‌عنوان عضوی از اعضای جامعه باید به آن احترام بگذاریم؛ مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مثبتی که بیشتر ما رعایت نکردنشان را فقط در دیگران تشخیص می‌دهیم و اگر خودمان مبتلا باشیم، متوجه نمی‌شویم!

اگر کمی بیشتر به اخلاق و رفتارمان فکر کنیم مصداق‌های این گفته را پیدا خواهیم کرد: وقتی عابر پیاده هستیم، رفتار رانندگان را نقد می‌کنیم و وقتی پشت رل می‌نشینیم، به عابران پیاده ایراد می‌گیریم. وقتی ارباب‌رجوع هستیم از بوروکراسی شاکی می‌شویم و وقتی کارمندیم، از حجم کار و حقوق پایینمان گله می‌کنیم و به این بهانه از زیر کار در می‌رویم. وقتی جوانیم، تحمل اظهارنظرهای والدینمان را نداریم و وقتی پدر و مادر می‌شویم طاق‌تفاوت بودن عقاید فرزندانمان را، درباره کسانی که نوبتشان را در صف رعایت نمی‌کنند داد سخن سر می‌دهیم و از بی‌فرهنگیشان می‌گوییم اما به محض دیدن یک آشنا در صف، به بهانه خوش‌وبش با او جلو می‌رویم و خودمان را در صف جا می‌دهیم. به پزشکی که در مطبش کارت‌خوان ندارد اعتراض می‌کنیم اما فرار از پرداخت هزینه پارکینگ یا شارژ ساختمان را زرنگی خودمان می‌دانیم.

برای کسانی که در طبیعت زباله می‌ریزند، با حیوانات نامهربانند یا به هر شکل دیگر از نظر ما بی‌فرهنگ هستند سخنرانی می‌کنیم و زشتی کارشان را به رویشان می‌آوریم اما خودمان در مکان‌های عمومی سیگار می‌کشیم و ته‌سیگارمان را در پیاده‌رو می‌اندازیم. تا وقتی در پارک و تاکسی و مترو دور هم بنشینیم و اظهارفضل کنیم و همه را زیر سؤال ببریم به‌جز خودمان، چیزی عوض نخواهد شد. فرهنگ هیچ جامعه‌ای بهبود پیدا نخواهد کرد، مگر با تلاش تک‌تک اعضای آن.

باید بپذیریم که مشکلات فرهنگی جامعه ناشی از کم‌کاری و بی‌توجهی همه ماست؛ چه زمانی که یکسره نقد می‌کنیم و راهکاری ارائه نمی‌دهیم، چه زمانی که از توجه به رفتار خودمان غافلیم، کور خود هستیم و بینیای دیگران.

می‌گویند بر سر گور کشیشی در کلیسای وست‌مینستر نوشته شده است: «کودک که بوم می‌خواستم دنیا را تغییر دهم، بزرگ‌تر که شدم متوجه شدم دنیا خیلی بزرگ است و من باید انگلستان را تغییر دهم. بعدها انگلستان را هم بزرگ دیدم و تصمیم گرفتم شهرم را تغییر دهم. در سالخوردگی تصمیم گرفتم خانواده‌ام را متحول کنم. اینک که در آستانه مرگ هستم می‌فهمم که اگر روز اول خودم را تغییر داده بودم شاید می‌توانستم دنیا را هم تغییر دهم!»

تماشاخانه

● چندسال پیش چند گردشگر خارجی از میدان هفت تیر تهران فیلمی گرفته بودند که بسیار عجیب به نظر می‌رسید. رانندگان خودروها به هر طرف که دلشان می‌خواست می‌پیچیدند و قوانین رانندگی را به سخره گرفته بودند!

ابراز شگفتی و ترس آن گردشگران از نحوه رانندگی ایرانیان به فیلم پر بازدید تبدیل شد اما هنوز که هنوز است در میدان هفت تیر - و البته در اقصی نقاط مملکت - آتش همان آتش است و کاسه همان کاسه!



عکس: احسان کاظمی

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می‌شود. از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می‌کنیم.
Email: jameettelaat@gmail.com
تلفن: ۳۹۹۹۳۲۱۰



آنچه می‌خوانید شرحی از چند سخنرانی در چهارمین همایش ملی کنکاش‌های مفهومی و نظری

درباره جامعه ایران است که به موضوع فرهنگ، سنت و مدرنیته در جامعه ایران مرتبط بود

دوراهی سنت و مدرنیته



دکتر شهیار امیری میان‌دوآب، جامعه‌شناس، در سخنرانی خود با عنوان «دو گانه نفرت و شیدایی: کشمکش بی‌پایان سنت و مدرنیته در ایران» می‌گوید: به تعبیر بسیاری از تحلیلگران، جامعه ایران جامعه‌ای در حال گذار است که هم‌زمان عناصر سنت و مدرنیته را هم در کنش‌های خرد و فردی و هم در رویدادهای کلان آن می‌توان درک کرد. این که آیا دوران گذار در ایران بیش از حد طولانی شده یا این که فرایند گذار به‌صورت طبیعی جریان دارد، سوال بسیاری از تحلیلگران و مدیران کلان است.

پاسخ هر چه باشد، دو گانه نفرت و شیدایی را می‌توان در مناسبات دولت-ملت مشاهده کرد. بنیان این دوگانگی در کشمکش سنت و مدرنیته است. سنت‌ها متکی بر گذشته و دین و مدرنیته متکی بر دنیاگرایی (سکولاریسم) است که در آن، عرصه‌های عام (اقتصاد و سیاست) فارغ از مناسبات سنت شکل می‌گیرد. این دوگانگی هم در مواجهه با سنت‌ها و هم در مواجهه با مدرنیته وجود دارد. نزدیک شدن به مفاهیم مدرنیته همراه با دغدغه و نگرانی و محافظه‌کاری را هم در عرصه قدرت می‌توان دید و هم در رفتار ملت. از طرفی تحلیلگران نیز تکلیف خود را با این مفاهیم مشخص نکرده و با رویکرد بومی کردن مفاهیم مدرنیته، سعی داشته‌اند که سنت و مدرنیته را ذیل یک چتر و یک‌جا به عنوان راه سوم در آورند. این دوگانگی یکی از بسترهای بنیادین تضاد در جامعه ایران است.

تن‌دادن فرهنگ سنتی به نظم مدرن

احمد جعفری، دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی با اشاره به مفهوم شدت همبستگی مکانیکی در زمینه همبستگی ارگانیک می‌گوید: این همبستگی حاصل خوانش غیرخطی، غیر تکامل‌گرایانه و چندبعدی از نظریه همبستگی اجتماعی «دور کیم» است که به دنبال فرارفتن از تز دو گانه‌نگارانه سنت-تجدد و بودن در دوران گذار است.

این مفهوم بر امکان‌یابی حضور آگاهی و روابط عاطفی مبتنی بر احساسات مشترک در زمینه‌ای از همبستگی ارگانیک‌ارجاج دارد. البته میزانی از آن برای وجود مفهوم جامعه در نظم ارگانیک لازم است اما افزایش بی‌رویه و تعمیق آن می‌تواند بستر تضادهای اجتماعی باشد. تحلیل نقش سیاست‌های فرهنگی به مثابه یکی از مؤلفه‌های دولت مدرن در امکان تداوم تشدید یافته همبستگی مکانیکی در ایران مدرن نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران فرهنگی اغلب موضعی نخبه‌گرایانه نسبت به فرهنگ اتخاذ کرده و بر این باورند که عامل اصلی عقب‌ماندگی کشور، تن‌دادن فرهنگ سنتی به نظم مدرن است. بر این مبنا به دنبال تنظیم و تحمیل سیاست‌های فرهنگی در جهت یکسان‌سازی و ملت‌سازی بوده‌اند.

در این میانه، بسیاری از تضادهای به‌وجود آمده به مثابه پدیده‌های استثنایی یا صور ناهنجار همبستگی تلقی شده که در مسیر تکامل تاریخی از سنت به مدرنیته و به محض پایان سنت از بین خواهند رفت. باید دید چگونه سیاست‌های فرهنگی به ویژه سیاست هویتی و زبانی در امکان‌یابی تداوم تشدید یافته همبستگی مکانیکی در دوران همبستگی ارگانیک موثر هستند و خود، حاصل چنین وضعیتی هستند.

آیین‌های جدید

جبار رحمانی، استادیار انسان‌شناسی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، درباره کاربردهای مفهوم آیین برای فهم تحولات و پویایی‌های جامعه ایران امروز می‌گوید: این روزها ابداع آیین‌های جدید در ایران مورد توجه محققان بسیاری واقع شده و

طبیعت و بحران‌های روحی گسترده می‌توان دید، نشان‌دهنده ضرورت مکانیسم‌های تعادل‌بخش و انتظام‌بخش هستند، آن هم در شرایطی که فرم‌های سنتی آیین‌ها در کلیت خود این نیاز را نمی‌توانند برآورده کنند.

جامعه ایرانی در همه جوانبش به دنبال راهی برای رسیدن به تعادل و تناسب و استقرار نظم جدید در زندگی خودش است، به همین سبب وضعیت امروز را می‌توان نوعی آیینی‌شدن فزاینده جامعه در راستای رسیدن به تعادلی نسبتاً پایدار و متناسب با شرایط زندگی امروزی ایرانیان دانست. این آیینی‌شدن در عمل، تغییراتی را در پی خواهد داشت که فراتر از حدود کنترل نظام‌های قدرت خواهند بود و در نهایت، منجر به تحول منابع استقرار و مشروعیت‌بخشی به نظم زندگی و جامعه خواهند شد.

تجربه متولدان دهه شصت

گروهی از استادان دانشگاه‌ها پژوهشی درباره تجربه زیسته متولدان دهه شصت از مدرنیته و تبلور آن در اخلاق اجتماعی آن‌ها انجام داده‌اند. جعفر زلفعلی فام، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، مقصود فراست‌خواه، دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، امیر ملکی، استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور و محمدجواد زاهدی مازندرانی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور در این پژوهش به دنبال آن بودند که بدانند مؤلفه‌های اصلی اخلاق اجتماعی در بین متولدان دهه شصت کدامند؟ چه نوع چرخشی در وضعیت اخلاق اجتماعی آن‌ها در جریان است و ماهیت آن چگونه است؟

این استادان سعی کردند با استفاده از روش کیفی و به کارگیری تکنیک مصاحبه عمیق با رویکرد پدیدارشناسی تجربی به فهم درستی از چیستی و چگونگی وضعیت اخلاقی اجتماعی در بستر تجربه مدرنیته در بین متولدان دهه شصت دست پیدا کنند. یافته‌های مطالعه عمدتاً حول شش شاخص اصلی اخلاق اجتماعی که در بین دهه شصتی‌ها تبلور داشت، متمرکز شده است: اخلاق اجتماعی کمالگرا، اخلاق اجتماعی اقتضایی، اخلاق اجتماعی آوارگی، اخلاق اجتماعی زرتنگی، اخلاق اجتماعی حمایت‌گرا و اخلاق اجتماعی به مثابه تبلوری از مناسبات قدرت که تشکیل‌دهنده شاخص‌های اصلی اخلاق اجتماعی در بین متولدان دهه شصت بودند.

تجدد ایرانی

رحیم محمدی، پژوهشگر جامعه‌شناسی، درباره فرآیند متجددشدن ایران، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند: چرا انسان ایرانی در دوره معاصر، کنش‌ها و تجربه‌های جدید را آغاز کرد؟ این وضعیت اجتماعی جدید که در دوره معاصر در ایران ظهور کرد، چگونه آغاز شد؟ فرهنگ، آگاهی، زبان، نهادها و کنش‌های کنونی چگونه مستقر شده‌اند؟ و امروز جامعه ایرانی به کجا رسیده است؟

این‌ها پرسش‌های جامعه‌شناختی‌اند و پاسخ‌های جامعه‌شناختی نیز می‌طلبند و بدیهی است رویکرد و روش جامعه‌شناسی از اساس با رویکرد و روش علوم قدیمه، روشنفکرانه، تاریخ‌نگارانه، ادبی و فلسفی متفاوت است.

چنان‌که می‌دانیم در سده‌های اخیر، سنت‌گرایان و روشنفکران و تاریخ‌نگاران و فیلسوفان ایرانی پرسش‌ها و مباحث درست و غلط فراوانی در باب مدرنیته و تجدد مطرح کرده‌اند اما جامعه‌شناسان، مدرنیته و تجدد را به مثابه «امر اجتماعی» می‌فهمند و توضیح می‌دهند. امر اجتماعی نتیجه حضور و غیاب علت‌ها و دلایل اجتماعی است و نسبتی اساسی با «انسان اجتماعی» دارد.

از دید اهل فلسفه، تجدد از آن جهت که از درون فلسفه قدیم و سنت دینی ایران آغاز نشد، یک «واقعه نیندیشیده» است. تاریخ‌نگاران نیز تجدد ایرانی را به امور منفرد سیاسی و روشنفکری فرو کاسته‌اند و صرفاً تاریخ سوانح و احوال سیاستمداران نوگرا، روشنفکران، مصلحان و ایدئولوگ‌های ایرانی را گزارش کرده‌اند. روشنفکران ایرانی هم همیشه طرحی ایدئولوژیک و سیاسی از تجدد و ضدتجدد مطرح کرده و تئوری انقلاب را در دوره معاصر بر ساخته‌اند.

اما ما تجدد را به مثابه امر اجتماعی می‌بینیم که به دنبال تغییر «انسان ایرانی» و تغییرات منشی و فرهنگی و نهادی ظهور کرد. به زبان دقیق‌تر، تجدد ایرانی در اثر دگرگونی، ناتوانی، بازیگری و رقابت و ستیز کنشگران ایرانی و خانواده‌ها، گروه‌ها، طبقات و نهادها بر ساخته شده است و در زندگی عموم و در زیست روزمره مردم عادی و نخبه ظهور کرده است. پس منظور ما از تجدد ایرانی، تجدد عمومی و همگانی، تجدیدشدن زبان و آگاهی، تجدیدشدن زندگی روزمره و نوشدن تجارب مردم، ظهور گروه‌ها و طبقات اجتماعی جدید، نوشدن کنش‌ها و الگوهای عمل و تکوین نهادهای مدرن در ایران معاصر است.

اما در این میان، سخن اصلی این است که تجدد ایرانی یک نوع سوم از تجدد است که در اثر دیالکتیک سوژکتیو عناصر دو جهان درون و بیرون و نیز قدیم و جدید ظهور کرده است و این نه ادامه سنت و سنت ایرانی است و نه ادامه مدرنیته اروپایی.

ارمغان زمان فشمی



جستجویی در دایره زبان‌های ساختگی

آدمی مخفی است در زیر زبان...



● مرزیه سلیمانی

راستش اوایل برای خودم هم جالب بود. ظرف دوسه روز زبان جدید را یاد گرفتم و شسته و رفته -با جزوه و دفتر و دستک- تحویل طلافروشان آینده دادم. اما ای کاش تمام ماجرا به همین جا ختم می‌شد. کاروبار بازرگانان مزبور به هزار و یک دلیل، که احتمالا شما بهتر از من می‌دانید، پانگرفت و بعد از مدتی به این نتیجه رسیدند که اصلا برای این کار ساخته نشده‌اند.

پس پریشان‌حوال و سرخورده، جلسات شور و مشورت تشکیل دادند. این بار البته به اتفاق همسران، دامادها و عروس‌هایشان. هر بار بر سر تعیین اسم مغازه اختلاف بالا می‌گرفت و هر بار با انتخاب یک اسم بی‌ربط و بی‌مسما اختلافات حل می‌شد. دست آخر هم کوچک‌ترین برادر پیشنهاد ۵۹۸ را داد، چون دقیقا در همان روز تاریخی پدرم مغازه را به آنها واگذار کرده بود.

باری، حلقه وصل یا نقطه مشترک ماجرا هم من بودم و علم اللسانی که داشتم. وقتی تصمیمشان برای راه‌اندازی یک کاروکاسی جدید قطعی می‌شد، پای من بخت‌برگشته را به ماجرا باز می‌کردند که زبان ویژه آن صنف را بیاموزم و به آسان‌ترین شکلی که هر بسیط‌الذهنی قادر به آموختن و فهمیدن است به آنها هم یاد بدهم و البته ناگفته پیداست که آنها هم به صورت دست و پاشکسته و آجق و جقق آن را به خانواده‌هایشان منتقل می‌کردند.

و این گونه بود که گلیم بخت مرا با عدد ۵۹۸ یافتند و من در زبان‌های مرغی، سوسکی، لامی، سیدی، قصابی، حمایی، زبان کولی‌ها و چند صنف و فرقه دیگر استاد شدم. با این احوال اما باز هم از افتتاح مغازه خبری نبود.

فاجعه اصلی وقتی به سراغ من آمد که اخوان آشپزخانه تصمیم گرفتند مغازه سازفروشی و آلات و ادوات موسیقی باز کنند. لذا فی‌المقدمه و به سیاق معمول حکم کردند که دست به کار شوم و ضمن تحقیقات، گرامر و شیوه‌های زبان مطربی را به آنها یاد بدهم.

رخداد پیچیده و دوران سختی بود. من از کجا باید این زبان را می‌آموختم؟ برای آن که وخامت اوضاع را درک کنید لازم است بدانید که فقط عده کمی از بازیگران تئاترهای روحوضی این زبان را بلد بودند و سینه به سینه به هم منتقل کرده بودند.

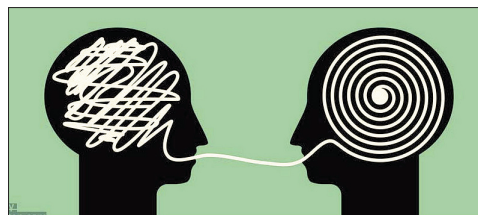
قاعده این زبان هم کیفیات عدیده و غریبه‌ای داشت. دیگر تنها اضافه کردن یک حرف در میان دیگر حروف مطرح نبود، بلکه اصلا پای یک زبان جدید در کار بود. گاه لغات بی‌معنی و بی‌ربط جایگزین واژه‌های عادی و معمولی می‌شد. مثلا به جای این که بگویند «برو بالا» می‌گفتند «روبولا».

شب‌ها کابوس می‌دیدم و موتیف مشترک تمام کابوس‌ها هم برادران طلافروش محل بودند که هر کدام یک سر عدد ۵۹۸ را گرفته بودند و ضمن جیغ و دادهای غریب و عجیب، چماق اندر کف به‌دنبال من به هر سوراخ سنبه‌ای سر می‌کشیدند.

حس غریبی داشتم. در آن سن و سال و آن اوضاع و احوال، نه شهامت و نه زبان اعتراض و دفاع از خود را نداشتم. تفنگدارها دائم سراغم را می‌گرفتند و من هر بار به شکلی از دیدرس و دستریشان دور می‌شدم. طبعاً کسی جز من این زبان‌ها را نمی‌دانست. رازی هم در میان نبود که با اهل دلی در میان گذارم. خسته و دلزده بودم اما از شما چه پنهان، آخر سر همچنان شیطنت و بازیگوشی‌ام بر هر چیز دیگر می‌چربید.

بالاخره تصمیم خودم را گرفتم. مطابق معمول، سه جزوه با الزامات و ملزوماتش درست کردم و یک زبان من در آوردی، زمخت، بدآهنگ و عجیب و غریب را به نام «زبان برادری» به آنها آموختم. گفتم این یک زبان منحصر به فرد و اختصاصی است. فقط و فقط برادران جان در یک بدن این زبان را می‌آموزند و حُسنش در این است که در هر حرفه و صنفی هم که باشند می‌توانند از آن استفاده کنند.

طول و تفصیل ندهم و سرتان را درد نیاورم. آشپزخانه نیم‌طبقه پایین هیچ‌وقت به مغازه تبدیل نشد. اما من بالاخره از بازی زبان‌آموزی خلاص شدم. غروب یک روز پاییزی وقتی باران پس از چند روز بارش بی‌وقفه به آسمان و زمین فرصتی دوباره داده بود، پدر نیم‌نگاهی به کش‌های خیس من انداخت و صدایم کرد. گفت پولی روی تاقچه گذاشته که مال من است و باید با آن کش بخرم. وقتی به سراغ پول رفتم، دیدم کتاب «تاریخ بیهقی» را که با پول کش بار گذاشته خریدم جلد کرده است. گنج و ذوق‌زده پول را برداشتم و به کتاب «فرهنگ معین» فکر کردم که مدت‌ها بود دلم برایش پر می‌کشید.



خوب یادم هست که ۲۷ تیر ۱۳۴۷ بود و ایران بعد از یک‌سال که از صدور قطعنامه ۵۹۸ می‌گذشت، آن را پذیرفته بود. به این ترتیب، جنگ رسماً پایان یافته بود و عده زیادی از مردم خوشحال و آسوده به دنبال کار و زندگی خود می‌رفتند.

خوشحالی آن‌ها دست کم دو دلیل داشت. یکی این که جنگ تمام شده بود و قرار بود گشایشی در کار کشور حاصل بشود. دیگر این که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ قیمت ارز و طلا به شدت سقوط کرده و فرصت خوبی برای کار و کاسبی فراهم شده بود. خوشحالی عده‌ای به خرید طلا برای همسر و خانواده منحصر می‌شد ولی هر چه بود، این یک سوی ماجرا بود. سمت دیگر، کسانی بودند که بعدها می‌گفتند در قطعه‌ای از بهشت‌زها که نام آن را ۵۹۸ گذاشته بودند دفن شده‌اند. الهده علی‌الراوی. می‌گفتند اینها همان کسانی بودند که با سقوط قیمت ارز و سکه در یک شب از عرش به فرش افتاده بودند و تمام هستی و سرمایه‌شان دود شده و به هوا رفته بود.

وقتی از تلفن‌خانه کذایی یا همان مخابرات عریض و طویل محل بیرون آمدم دیدم که دوروبر تنها دکان کوچک زلم زیمبو، ساعت و دستبند و طلا فروشی آن منطقه -که دو برادر آن را اداره می‌کردند و چسبیده به تلفن‌خانه بود- غلغله جمعیت است. از کین و کید روزگار، مردم برای خرید طلا از سر و کول هم بالا می‌رفتند.

اما در آن لحظه از تاریخ وطن، برای من نکته عجیب ماجرا این چیزها نبود. آن چه که توجه مرا جلب کرد و موضوعی شد تا شب با بلبل زبانی برای برادرهایم تعریف کنم، زبان مخصوصی بود که برای نخستین بار به گوشم خورد و این دو برادر در حضور مردم توسط آن با یکدیگر صحبت می‌کردند. هیچ کس جز خودشان از آن سر در نمی‌آورد. به بهانه نگاه کردن ساعت‌های سیکو به حرف‌هایشان گوش دادم و طبق عادت قدیمی آن چه را که از همان چند کلمه به‌خاطرمانده بود سریع روی کاغذ آوردم.

در خاطرم مانده که آن روز تا غروب، وقت و حوصله و سوادم را صرف این کردم که از حرف‌های برادران طلافروش رمزگشایی کنم. به جاهای خوبی هم رسیده بودم که زنگ در خانه به صدا در آمد و برادرهای اکبر و اوسط یکی‌یکی وارد شدند. مرغ خانگی هم به حکم ترس یا ادب، بساط آثاری را جمع کرده و بی‌سرور و صدا اداره امور مربوط به پای را عهده‌دار شده بود.

شام که تمام شد، پدرم کوتاه و روشن حرفش را زد. می‌خواست این سه تفنگدار بی‌سلاح را سروسامانی بدهد. به عبارت دیگر آستین همت پدرانه را بالا زده بود تا پسرانش را از چنگال بی‌کاری و بی‌پولی نجات بخشد. تمام کارهای مربوط به شهرداری و اصناف را انجام داده و مجوز تجاری کردن طبقه پایین خانه - که در واقع آشپزخانه بی‌زبان محسوب می‌شد- را گرفته بود.

قرار شد به جای آشپزخانه سابق یکی از اتاق‌های بالا را به آشپزخانه بدل کنیم. این ترتیب البته فواید دیگری هم داشت، دیگر لازم نبود مادر دائما بین پله‌ها در رفت‌وآمد باشد. آشپزخانه یا مغازه فعلی هم در اختیار پسرهایم قرار می‌گرفت تا کار و کاسبی آبرومندی راه بیندازند و چرخ زندگیشان را بچرخانند.

نمی‌دانم تحت تاثیر جو آن روز بود یا تعریف‌های پرآب و تاب من از ماجرای برادران زرگر، هر چه بود، آن شب قرار شد که برادرهای من هم طلافروشی باز کنند. تا اینجا کار چندان مشکل نبود، یا اگر بود به من و اعداد بخت و اقبالم ربطی نداشت.

در سرفه‌های من از آنجایی شروع شد که سه تفنگدار تصمیم گرفتند برای رونق کسب و کار و بنا به استراتژی‌های تاکتیکی و تکنیکی، از زبان زرگری استفاده کنند و چه کسی بهتر از من که استعداد زبان آموزی داشتم؟! و قتم آزاد بود. سرم هم برای این نوع کارها و کارآگاه‌بازی‌ها درد می‌کرد. ضمناً به پول توجیبی هم نیاز داشتم. پس مأمورم کردند که اول خودم ته و توی این زبان را در بیاورم و بعد سیر تا پیازش را به آن سه تاجر خوشوقت طلا در آشپزخانه سابق یاد بدهم.

شما را نمی‌دانم. اما من فکر می‌کنم زندگی هر کس با یک عدد پیوند خورده و هر آدمی برای خودش عددی دارد که همیشه با اوست. خوب یا بدش به کنار، اصلا این که قدیمی‌ترها از بخت و اقبال و پیشانی‌نوشت حرف می‌زدند، منظورشان همین اعداد و ارقام بوده.

مثلاً عدد بعضی‌ها ۶۶۶ است و چنان که خوب می‌دانید، این‌ها کسانی‌اند که در کنف حمایت جناب خناس، هر کاری را با خبثت و زعارت به انجام می‌رسانند. بعضی‌ها عدد شانس دارند و تمام اموراتشان را براساس همان عدد برنامه‌ریزی می‌کنند؛ چهل یا هفت یا هزار و یک یا هر عدد دیگری که فکرش را بکنید. عدد بعضی‌ها نحس است و به همین علت دائما از آن فرار می‌کنند.

اما شما فکرتان جای بد نرود. به خاصیت اعداد فکر کنید و تأثیری که بر ذهن و جسم ما باقی می‌گذارد. خود من تا مدت‌ها تحت تأثیر عدد سه بودم. داستانش مفصل است اما بعدها فهمیدم یک عدد قوی‌تر هم هست؛ عددی که سال‌های سال در چنگال پر قدرتش دست‌وپا می‌زدم و ظاهراً راه خلاصی هم نداشتم. و این عدد، ۵۹۸ بود.

شاید این عدد برایتان آشنا باشد. اگر نبود، از بزرگ‌ترها بپرسید، چون همه ما دست کم یک‌بار در زندگی با این عدد مواجه شده‌ایم و اثرات آن را همچون مزه‌های ترش و شیرین یا تلخ و گس چشیده‌ایم. در مورد من این مواجهه، به تکرار مکرر یک رویداد در دایره بسته سرنوشت تبدیل شد.

شاید تقصیر خودم بود. نباید دست‌خوش هیجانات نوجوانی می‌شدم. اما اشتباه از هر که بود، نقطه شروع عیش تیرماه سال ۱۳۴۷ بود. آن روز، همه‌جا شلوغ بود. نوعی خوشحالی گنگ در هوا جریان داشت و مردم به نحو غریبی در رفت‌وآمد بودند. ما و هیچ یک از اهالی محل، در خانه تلفن نداشتم و مادرم به من مأموریت داده بود که به تنها تلفن‌خانه محل -که عبارت بود از یک مغازه و دو خط تلفن که ما آن را مخابرات می‌نامیدیم- بروم و با برادرهایم تماس بگیرم که شب به خانه ما بیایند.

من سه برادر داشتم و این به‌خودی خود چیز چندان بدی نبود. برادر بزرگ‌تر -که مثل بیشتر هم‌نسل‌های خودش عشق داریوش بود- سال آخر دبیرستان به سبک و سیاق جوان‌های آن موقع عاشق شد و ازدواج کرد و بچه‌دار شد. اما سال‌ها بعد، وقتی بچه‌هایش قد کشیده بودند و مشغول تولید آب‌نبات شده بود، یک دفعه یادش افتاد که آن قدر سرش شلوغ بوده که به خدمت مقدس سربازی رفته است! زن و بچه‌اش را گذاشت خانه ما، رفت دفترچه اعزام به خدمت گرفت و سرباز شد. آن هم کجا؟ نیروی دریایی در بندر گناوه. بعد هم که برگشت، کارگاه کوچک آب‌نبات‌سازی‌اش خوابیده بود و خاک می‌خورد.

برادر وسطی -که در جوانی یکی دو سالی هوادار سیاسی بود- سالیان سال با توهم شاعر بودن، نویسنده بودن و مهم و ممنوع‌الخروج بودن زندگی کرد، تا این که چشم باز کرد و دید نزدیک است نوه‌دار شود و باید دست از سر خودش بردارد. پس با پیکان خسته وفادارش شروع کرد به مسافرت کشی.

اما از قضای روزگار، برادر کوچک‌تر از همه عاقل‌تر و عاقل‌تر بود. البته او خودش هیچ نقشی در این قضیه نداشت. عاقل بود، چون وقتی پدرم گفت آرزو دارد او به دانشگاه برود، حرفش را روی هوا زد و نقشه چند سال خوش‌گذرانی و پول توجیبی بیشتر را درجا عملی کرد. و عاقل بود، چون بعد از تمام شدن درس عرضه پیدا کردن هیچ کاری را نداشت. پخمه و ویلان، دسته آثاری به‌دست از روی این مبل بر روی آن دیگری می‌افتاد. پدرم با او مدارا می‌کرد. حرمتش را نگه می‌داشت و بی‌کاری و علافی‌اش را به رویش نمی‌آورد. او هم ساکت و سربه‌راه بود. خرج زیادی نداشت. جایی نمی‌رفت. موها و ریش بلندش را هم گاه‌گداری مادرم مرتب می‌کرد. خلاصه کنم چیزی در مایه‌های مرغ خانگی بود. اما بروم سراغ روایت و موضوع...

آن روز صبح اول وقت، پدرم وقتی داشت آماده می‌شد که به سرویس کارخانه برسد، به مادرم گفت که به بچه‌ها خبر بده برای شام به خانه ما بیایند؛ تنها، بدون زن و بچه و عروس و داماد. من مثل همیشه مشغول رمزگشایی از اعداد و حروف بودم و حس مفید بودن را به خود القا می‌کردم. اما با این کار پدرم، شستم خبردار شد که خبرهای مهمی در راه است. با این اوصاف، حس باهوش بودن هم به حواس دیگرم اضافه شده بود اما علاقه‌ای به دنبال کردن موضوع نداشتم.



بزرگان کوچک

● منیژه مشیری*

بتوانند سطل را کمی بیشتر کج کنند و دوستانه چیزهایی بردارند. خانمی درحالی که در هر دستش یک پلاستیک بزرگ پر از خریدهایش بود با عجله از سوپرمارکت بیرون آمد و به سمت ماشینش که کمی پایین تر از ظرف زباله شهرداری پارک کرده بود رفت. ناگهان چشمش به این دو کودک افتاد و از داخل یکی از کیسه‌های خریدش دو ظرف یکبار مصرف را که درون آنها غذا بود بیرون آورد و برای آن دو بچه برد.

پسر بزرگ تر گفت ممنون، شما این غذاها را برای خانه خودتان خریده‌اید، ما نمی‌گیریم. ولی خانم با لطف و مهربانی هرچه را که به نظرش لازم بود برای متقاعد کردن آنها گفت تا آن که گفتند پس ما فقط یکی را قبول می‌کنیم، یک غذا برای هر دوی ما کافی است. پسر کوچک‌تر غذا را گرفت و روی لبه سیمانی دیوار سوپرمارکت گذاشت. خانم با تبسم فاتحانه‌ای به سمت ماشینش رفت.

خیابان شمالی-جنوبی و وسیع بود. اتفاقی موقتی در نیش تقاطع خیابان با کوچه، به مناسبت ایام محرم برپا و سیاه‌پوش کرده بودند. چند جوان در اتاقک با پیراهن و شلوار مشکی به عابران چای و شربت نذری تعارف می‌کردند. سر نیش دیگر همین کوچه، ظرف بزرگ زباله شهرداری قرار داشت. کمی بالاتر از اتاقک، در پیاده‌رو خیابان در مقابل در بزرگ ماشین‌رو منلی، صف طولانی و پرازدحام مردمی بود که منتظر گرفتن غذای نذری بودند. آن‌ها با توقف بی‌رویه و نامنظم ماشین‌های مدل بالای گران‌قیمتشان در خیابان باعث کندی حرکت وسایل نقلیه شده بودند.

نگاهم را نوجوانی افتاد که کیسه چرم کرم رنگش را کنار ظرف زباله گذاشت و با جدیت از داخل ظرف چیزهایی برداشت و به درون کیسه انداخت. دوباره کیسه را بر پشت انداخت و با قدم‌هایی



بود. من نمی‌توانستم خودم را به او برسانم ولی همسرم به دنبالش دوید تا به او برسد. من که با قدم‌های معمولی مسیر را طی می‌کردم، بالاخره بعد از چند لحظه به همسرم که پایین تر، کنار پیاده‌رو منتظرم ایستاده بود، رسیدم ولی کودک را ندیدم. همسرم برایم تعریف کرد که به او رسیده و دیده است که با شتاب و مصمم ظروف یک‌بار مصرف غذاهایی را که رهگذران نیم‌خورده در باغچه پیاده‌رو رها کرده بودند، درون کیسه‌اش می‌اندازد.

همسرم برای دادن پول نزدیکش می‌رود ولی او نمی‌پذیرد. سپس همسرم برایش توضیح می‌دهد که دوست دارم برای شام مهمان من باشی، اما نمی‌دانم چه غذایی دوست داری برایت بخرم. می‌خواهم زحمت خرید آن را به خودت بدهم. اگر قبول کنی زحمت من کم می‌شود. او با اصرار همسرم سرانجام تسلیم شده و پول را گرفته بود.

برای رسیدن به خانه باید از خیابان عبور می‌کردیم. دیگر هوا تاریک شده بود. به آن طرف خیابان که رسیدیم دوباره سر کوچه منزلمان دیدیم کودکی در تاریکی از ظرف زباله چیزی درون کیسه‌اش می‌گذارد. در تاریکی صورتش خوب دیده نمی‌شد.

همسرم به سمت او رفت و وقتی خواست بخش دیگری از پول را به او بدهد، پسرک گفت: «آقا ممنونم. شما الان اون طرف خیابون به من پول شام دادین. اینو بدین به یکی دیگه.» با شنیدن این جمله بهت‌زده شدم. چقدر بزرگ منش و قابل تحسین بود. از خریدی که کرده بودم احساس گناه کردم.

این چند نمونه کودکی را که من در این مدت مشاهده کردم به طور حتم به خانواده‌هایی گرفتار آسیب‌های اجتماعی تعلق دارند؛ یا یتیم هستند و دلسوزی در این دنیا ندارند یا تک‌والد و فقیر هستند یا والدین آن‌ها بر اثر عوامل مختلف رهایشان کرده‌اند یا والدین متصاد دارند یا یکی از والدین یا هر دو در زندانند یا خانواده‌شان در فقر مطلق به سر می‌برد و هر فردی از افراد خانواده باید نان خود را دربیابورد. شاید قوم و خویشی آن‌ها را پناه داده و مجبورند برای امرار معاش خود کار کنند. این‌ها صبح‌ها از کجا می‌آیند و شب را کجا و چگونه می‌گذرانند؟ چه آینده‌ای در انتظارشان است؟ آیا اصولاً وضع زندگی آن‌ها برای جامعه اهمیت دارد؟

ذهنم مرا به چند دهه پیش، به کلاس درس بررسی آثار شکسپیر در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و نقد شخصیت اول غمنامه (تراژدی)‌هایی چون مکبث، هملت و ژولیوس سزار برد.

استاد انگلیسی می‌گفت بنا بر اعتقاد شکسپیر، غمنامه‌های بزرگ پیرامون مصیبت‌های زندگی افراد بزرگ و مهم و مشهور هستند. غم‌های حتی بسیار بزرگ افراد معمولی جامعه، دستمایه خوبی برای به وجود آوردن یک شاهکار نیستند، چون بود و نبودشان برای جامعه فرقی نمی‌کند.

با مشاهده این چند کودک، بیشتر به عمق چنان اعتقادی پی بردم. اگر چه این کوچولوها هر یک بازیگر غمنامه‌های سنگین زندگی پرمصیبت خود هستند و صحنه این نمایشنامه، بافت غم‌باری است که بدون انتخاب خود در آن متولد شده‌اند، ولی چون مهم و بزرگ نیستند کسی غم‌نامه زندگی آنها را نمی‌نویسد. از نظر من بار غم و درد زندگی نمونه‌هایی که مشاهده کردم از عمر کم و جثه کوچکشان بسیار فزون تر است.

شگفت این که گرچه آن‌ها فقیر و به چشم جامعه بی‌ارزش، ولی از جهت بزرگ‌منشی، مناعت طبع، جدیت در کار طاقت‌فرسای روزانه، کوشش و تلاش بی‌وقفه، بی‌توقعی، قناعت‌پیشگی، درستکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز، کم‌نظیر هستند. آن‌ها با شرافت زندگی می‌کنند، گرسنه هستند ولی از دیوار کسی بالا نمی‌روند. دست‌گدایی به سوی دیگران دراز نمی‌کنند و با معیارهایی که به آن پایبند هستند از کسی به راحتی صدقه قبول نمی‌کنند. من آنان را از نظر رفتار و منش، «بزرگان کوچک» می‌نامم.

به راستی این کودکانی که من دیدم این ویژگی‌های والای اخلاقی را چگونه آموخته‌اند؟ از کتاب‌هایی که نخوانده‌اند؟ از معلمی که نداشته‌اند؟ از مدرسه‌ای که نرفته‌اند؟ از جامعه دارای هنجارهای متناقض؟ از وسایل ارتباط جمعی که در دسترسشان نیست؟ یا از پدر و مادر فقیری که بزرگ‌منشی و معیارهای اخلاقی نابشان مورد تقلید فرزند قرار گرفته است؟ این سؤال بزرگ من است.

* دکترای زبان‌شناسی

دوباره دو بچه به جستجوی درون ظرف ادامه دادند و سپس ظرف زباله کج کرده را رها کردند تا به حالت اول برگردد. گویا دیگر چیزی برای برداشتن باقی نمانده بود. بچه‌ها رفتند و روی سکوی سیمانی دیوار سوپرمارکت نشستند، با تبسم و چهره‌ای راضی در ظرف غذا را باز کردند و با قاشق‌های پلاستیکی که آن خانم داده بود، با اشتها شروع به خوردن غذا کردند. به نظر می‌آمد که حسابی گرسنه‌اند.

من در حالی که در اتومبیل دوستم منتظر نشسته بودم تا او خرید کند و برگردد، نظاره‌گر این ماجرا بودم. رفتار این دو بچه مرا شدید تحت تأثیر قرار داده بود.

وقتی دوستم با کیسه‌های بزرگ خرید برگشت، آنچه را که دیده و شنیده بودم برای او تعریف کردم. او با بی‌تفاوتی گفت که کار آن خانم گداپروزی است، ولی من اصلاً با دوستم هم‌عقیده نبودم. احساسم بر عقلم غلبه داشت. بعد از آن که در منزل این داستان را بازگو کردم با همسرم قرار گذاشتیم که از این پس بخشی از پولی را که برای کمک به نیازمندان کنار می‌گذاریم به این کودکان بدهیم.

چندی گذشت و یک روز تنگ غروب من و همسرم پس از خرید روزانه، در پیاده‌رو به خانه بر می‌گشتیم که یکی از همان بچه‌ها با عجله، کیسه بر پشت، از ما جلو زد و به سرعت دور شد. ما یاد پولی که به این منظور کنار گذاشته بودیم افتادیم و در یک لحظه تصمیم گرفتیم مقداری از آن را به این کودک بدهیم. او از ما خیلی دور شده

استوار به راه افتاد. سبزه رو، لاغر و تکیده بود. دستان قهوه‌ای و کبره‌بسته و موهای سیاه خاک‌گرفته‌اش نشان می‌دادند که مدتی است رنگ حمام را ندیده‌اند. بلوز و شلوار گشاد کهنه‌اش حکایت از این داشتند که مدت‌هاست شسته نشده‌اند. کش ورزشی سیاه‌رنگ کهنه‌ای به پا داشت.

سر ظهر بود. حدس می‌زدم گرسنه است. منتظر بودم جلو اتاقک بروم و چای و شربت بگیرم و بعد هم در صف برای غذا بایستد، ولی در نهایت تعجب هیچ‌یک از این کارها را نکرد و به راهش به سمت شمال خیابان ادامه داد. شاید فکر می‌کرد اگر در صف بایستد وصله ناجوری است و دیگران با نظر تحقیر به او نگاه می‌کنند.

روز دیگری در جلو یک سوپرمارکت زنجیره‌ای که در آن غذای گرم هم می‌فروشد چشمم به پسر بچه خردسالی افتاد که با تقلائی زیاد سعی می‌کرد ظرف زباله شهرداری را کج کند. او با پابندی تا کمر به درون ظرف خم شده بود تا دستش برسد و بتواند پلاستیکی بردارد و در کیسه‌اش که روی زمین بود بیندازد.

در همین موقع کودک دیگری از آن سوی خیابان به این سو آمد و به سمت ظرف بزرگ زباله رفت. کیسه‌ای هم‌قد خودش بر پشت داشت. از پشت سر که نگاهش می‌کردی به نظر می‌آمد که کیسه‌ای آبی‌رنگ با سری کوچک در حال حرکت است. حدس زدم که چون بزرگ‌تر است آن یکی را پس بزند و پلاستیک‌های درون ظرف را برای خودش بردارد، اما بر خلاف تصور من به قبلی کمک کرد تا



دیدار با آقای قاجار

چند روز پیش موقع خروج از دفتر روزنامه، یکی از همکاران خوبم خانم یارمحمدی را دیدم. با اشاره به دلبری هوا و باران گاه‌به‌گاه پاییزی گفت: این روزها آدم باید در خیابان و مترو گوشی تلفن همراهش را کنار بگذارد و به اطراف نگاه کند. خیلی خبرها دوروبر ما هستند که به خاطر گوشی‌هایمان آن‌ها را نمی‌بینیم.

کمی بعد از هم جدا شدیم و من با مترو به ایستگاه تجریش آمدم. درست وقتی سوار پله‌برقی شدم، یک لحظه به یاد حرف خانم یارمحمدی افتادم و سرم را از روی گوشی بالا آوردم.

ناگهان مردی را دیدم که با هییتی عجیب و غریب در جهت مخالف از پله‌برقی بیرون می‌رفت. لباس و کلاه قجری به تن داشت و سبیل‌ها را به فرم شاهان قاجار تاب داده بود؛ انگار مردی از هزارتوی تاریخ در زمان سفر کرده و به دوران ما آمده باشد. یادم آمد که قبلا عکسش را در فضای مجازی دیده بودم.

با وجود خستگی بعد از کار، شم خبرنگاری‌ام گل کرد و بعد از رسیدن پله‌برقی به مقصد، فوراً به پایین برگشتم و خودم را به او رساندم.

گفت اهل مصاحبه نیست اما می‌توانم از او عکس ببندم و اگر عکسش را در روزنامه اطلاعات چاپ کنم آن را می‌بیند. ظاهر اولین بار روزنامه هفت صبح عکس او را منتشر کرده است.

حاضر نشد نام واقعی‌اش را بگوید. خود را آقای قاجار معرفی کرد، سی سال است در تهران با همین شکل و شمایل تردد می‌کند. هدفش حفظ فرهنگ و اصالت ایرانی است و می‌گوید رضاشاه، مردی خائن بود که آثار تاریخی تهران و تبریز را از بین برد و در پوشش مردم دخالت کرد و گر نه ایرانیان مثل او لباس می‌پوشیدند.

گفتم البته در آن زمان عوام‌الناس چنین لباسی نداشتند، شما شبیه شاهان قاجار لباس پوشیده‌اید، نه مردم کوچه و بازار! پرسیدم آیا نمی‌دانند شاهان قاجار چه به روز نقشه ایران آوردند؟ او گفت رضاشاه دروازه‌های تهران را نابود کرد. تهران دوازده دروازه داشت و قالیباف، شهردار خوبی بود که دو باب از این دروازه‌ها را بازسازی کرد. اما درباره شاهان قاجار زیاده بد گفته‌اند و خدماتشان را نادیده گرفته‌اند!

به گمان او برخی اطلاعات به غلط در اینترنت منتشر شده‌اند، از جمله این که اولین بانک ایرانی نه در زمان رضاشاه، بلکه در زمان قاجار تأسیس شده است.

پرسیدم آیا همین یک دست لباس این مدلی را دارد؟ گفت نه، چندین دست لباس و کلاه دارم اما نمی‌گویم چطور و از کجا آنها را تهیه می‌کنم! همین‌طور که من با او حرف می‌زدم، جماعت کنجکاو دورمان جمع می‌شدند و بعد از خداحافظی ما اجازه خواستند تا با او عکس بگیرند.

از آن‌ها دور شدم و فکر کردم علاقه به هویت تاریخی در میان ایرانیان، صفتی آشکار است. کاش متولیان فرهنگ بتوانند این علاقه را درک و به درستی هدایت کنند.



سرود جمعی



● عماد فرحنیا

استناد می‌کنند یا میزان سرانه مطالعه را در کشور بدتر از اسف‌بار می‌نامند اما به ضرورت ایجاد چنین نیازی کاملاً بی‌توجهند که مطالعه بر آمده از ذهنی پرسشگر، منتقد، پوینده و آزاد است و بدون این احساس درونی و جستجوی پوینده در رسیدن به ژرفا، همه چیز بیشتر و بیشتر در سطح خلاصه می‌شود!

به دنبال مصرف بیشتر و بهتر، زندگی با عقاید تحمیلی از سوی جامعه و همسانی بیشتر با پهنه وسیع اجتماع، آرام آرام ضرورت اصول متقن اخلاقی که حتی صرف‌نظر از باورهای مذهبی، نقطه ایمن حیات اجتماعی را رقم می‌زند به گوشه‌ای می‌خزد و در اعماق ذهن زنجیر می‌شود تا فرد هر چه بیشتر از این جامعه پرتنش و پرسرعت برای ایجاد رفاه و تأمین زندگی بهره بگیرد و گر نه کارش زار است!

فرهنگ عمومی دستاورد یک مقطع خاص نیست، اساساً دستاورد نیست، ره‌آوردی است در گذار سال‌ها، دهه‌ها و قرون که به قطعیت هر دورانی ویژگی‌های خاص خویش را داراست.

عرصه فرهنگ به آدمی آموخته که اختراع مجدد چرخ چه کار عثی است و گاه تخریب ره‌آوردی‌های دورانی طولانی از سنت‌ها، اخلاقیات و فرهنگ چه

گزند هولناکی می‌تواند رقم بزند. به تعبیر فیلسوف فقیه، ارنست کاسیرر، «اگر مقدمات نظریه او را بپذیریم، نمی‌توانیم نتایج آن را مردود بدانیم».

حتی در هزاره سوم پرشتاب و پیچیدگی‌های فزاینده این عصر، کماکان میزان توفیق و تمدن هر سرزمینی با فرهنگ آن سنجیده می‌شود. دستاوردهای صنعتی، میزان اقتدار نظامی و منابع طبیعی برای اعتلای عرصه



فرهنگ اعتبار و معنا می‌یابد. حتی جهت و چرایی مهاجرت‌ها در سطح جهانی نمودار همین اهمیت است.

این عرصه نه قرار است و نه می‌تواند با لوايح مجلس و بخشنامه‌های دولت اعتلا یابد یا حتی حفظ شود. فرهنگ در گستره‌ای به مراتب فراتر از حاکمیت معنا می‌یابد. این بنایی است که تمدن آدمیان رقم می‌زند، تداوم می‌بخشد و تغییر می‌دهد. سرود جمعی است، نه نوایی که هزاران بلندگو آن را رسا سازد! به همه نیاز دارد؛ نه برای یک مقطع، برای استمرار آن چه که ارزش ماندن دارد.

«فردریش هایک»، فیلسوف آلمانی معاصر، در توصیف یک جامعه آزاد گفت جامعه آزاد جامعه‌ای است که در آن هر فرد با اتکاء به همه آن چه می‌داند به آن چه که می‌خواهد برسد.

هیچ واقعیتی در یک جامعه به اندازه فرهنگ آن نمی‌تواند برای اعتلای فرد کمک رساند؛ نه حاکمیت، نه زبان و نه نژاد و مذهب و قومیت. فرهنگ عمومی نقطه اتکایی فراهم می‌آورد تا خرد، آزادی و مکارم اخلاق نابود نشوند.

اندیشه جمعی یک سرزمین نیاز به شفافیت و اندیشه انتقادی برآمده از دانش دارد. در چنین فضایی کمترین آلودگی و غبار از دیدگان پنهان نخواهد ماند. ارزش‌ها برای تداوم در یک فرهنگ نیاز به آزادی و انتخاب دارند. چنین فرهنگی در قلب آزمون‌های سخت هم تداوم خواهد یافت و یا امید به تداوم آن خواهد بود.

دانش، اخلاق و سنت‌های رفیع گذشته از دل تاریخ، همواره امید بازیافته یک ملت هستند، و گر نه هر قدر هم که فریبنده باشند در این آوردگاه مضمحل خواهند شد.

آن که ز زخم تیر او، کوه شکاف می‌کند

پیش گشاد تیر او، وای اگر سپر برم!

(مولانا)

دو قرن پیش، آنچه که امروز فرهنگ عمومی می‌خوانیم، بخشی از جهانی بود که به هیچ وجه در اذهان مردم نه جایگاه مشخصی داشت و نه حتی معنای روشنی. آدمیان به آنچه که در بین تمدن‌های دیگر وجود داشت به دیده اعجاز و حیرت سیاحانه نگاه می‌کردند و نه برای رهیایی به فرهنگ‌های دیگر. حیطه جامعه‌شناسی و فرهنگ، محصول جهان پس از عصر روشنگری و قرن هجدهم است.

امروزه اما فرهنگ چیزی به مراتب بیش از تعریف آن را شامل می‌شود. در اقسام گوناگون تعریف فرهنگ از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، یک عنصر مشترک وجود دارد و آن «کیفیت ناظر بر حیات اجتماعی انسان» است؛ کیفیت ژرفی که به مراتب فراتر از حیات فردی آدمی و به مراتب طولانی‌تر و پردامنه‌تر از زندگی شخصی و مستحکم‌ترین باورهای اوست. هوایی است که بر بالای برکه اخلاقیات، بر بلندای زیست‌بوم زندگی، بر افق‌های سرزمین‌های خشک و لم‌یزرع سیاست و ابر نابریده کشتگاه اقتصاد وجود دارد. فضایی است که به تعبیر فیلسوفان عصر رومانتیسم آلمانی، روح حاکم بر زمانه ما را مشخص می‌کند و همین تمایز فرهنگ است که بر ما روشن می‌سازد در جامعه

کنونی ما تا چه حد نسبت

به سال‌های ابتدایی

قرنی که کماکان در آن

هستیم، مثلاً نسبت به

سال ۱۳۰۴ و تاجگذاری

پهلوی اول، تغییر رخ داده

است؛ این سرزمین تا چه

میزان نسبت به سال‌های

دهه ۴۰ شمسی و حتی

سال‌های دهه ۶۰ دچار

تغییر و چه گستره‌هایی

در آن دستخوش زوال

گشته است. دورانی که

بدون تردید بیشترین

میزان سرگشتگی،

عدم قطعیت و تضاد در

عرصه فرهنگ را نشان

می‌دهد.

چه شد که چنین شد؟!

ایران نه تالایه‌دار اندیشه عقلانی مغرب‌زمین بوده و نه در آن جغرافیا معنا می‌شود. این سرزمین بخشی از جهان مشرق‌زمین است که با هر دیدهای بدان نگری، هزارتوهای ادب و هنر و دیانتش مدام در تعامل با فرهنگ آن شکل گرفته و نقش پذیرفته است. حتی اندیشه و دیانت و سنت‌هایی که از برون به درونش آمده در سیر تاریخ، در پهنه وسیع‌تری که فرهنگ آن باشد، تداوم پیدا کرده و خوب و یا بد، آن را بخشی از خویش کرده است.

اما چیزی عبث‌تر از تکیه بر گذشته پرتوان و طولانی نبوده است؛ گذشته‌ای که هر چند دارای اختار یا طولانی بوده، امروز لزوماً بخشی از زندگی مردم نیست. این فضای عظیم از هنجارها، باورها و کردارها در اجتماعی از میلیون‌ها انسان، ناگزیر نسبت به دستاوردهای تکنولوژی و نتایج جهان مدرن، واکنش نشان داده است.

اشاره به دستاوردهای تکنولوژی و نتایج جهان مدرن دقیقاً از آن روست که هرگز خاستگاه‌های اصل جهان مدرن، یعنی عقلانیت انتقادی و شک‌روشی و حتی رویکرد علمی، مدخل‌های ورود ما به دنیای مدرن نبودند، بلکه دستاوردهای تکنیکی، نتایج ناگزیر تکنولوژی و تبعات این عقلانیت علمی-انتقادی، بادهای گرمسیری بودند که بدون آن که آتش آنها را به خانه آورده باشیم، ناگزیر به سمت ما وزیدند و لاجرم تالاب‌ها و سرچشمه‌های باقی‌مانده از سنت و فرهنگ را نیز خشکاندند، در حالی که هیچ جایگزینی برایشان مهیا نداشتیم.

ساده بود، ارزش‌هایی برآمده از سنت و تاریخ و فرهنگی که افراد از آن جدا می‌شدند بدون آن که اندیشه‌های بارور و خلاقه‌ای که نیاز حیات اجتماعی است، جایگزین آنها باشند.

بخش مهمی از سنجش‌های کنونی به استفاده از فضای مجازی

انگوهای ناروا

● محمد احمدوند ●

ماشین شاسی‌بلندی درست اول چهارراه و دوبله پارک شده است و عملاً مسیر رفت در خیابان را بسته است. رانندگانی که از خیابان کناری می‌پیچند یک‌دفعه با راه مسدودشده مواجه و شو که می‌شوند. خود من نزدیک بود به ماشین شاسی‌بلند بزنم. چند متر جلوتر جا برای پارک چند ماشین هست، همان جا پارک کردم و پیاده شدم تا راننده شاسی‌بلند را پیدا کنم و دعوایش کنم. کمی که منتظر ماندم، خانمی از مغازهای بیرون آمد و سوار شد. برود. عصبانیتم را کنترل کردم و به این کارش اعتراض کردم که البته مثلاً عذرخواهی کرد و رفت. عذرخواهی‌اش آن‌قدر تصنعی بود که مطمئن هستم این رفتارش را تکرار خواهد کرد. هرچه فکر می‌کنم دلیل این رفتار کوتاه‌فکرانه جز تنبلی و خودخواهی نمی‌تواند باشد. این خیلی بد است. تنبلی دارد جزئی از اخلاق ما می‌شود.



به حرف خیلی از جوان‌های امروز که گوش می‌دهید از زمین و زمان ناراضی هستند، از پدر و مادرشان ناراضی هستند، از دولت ناراضی هستند، از دنیا ناراضی هستند، اصلاً از به دنیا آمدنشان ناراضی هستند. خیلی از جوان‌ها به دنبال پول حاضر و آماده هستند. بعضی‌ها پول درآوردن به هر شکل را با آوردن مثال از دزدی‌ها و قهقه‌بازی مردم کوچه و بازار در کار و مراودات روزمره تا اختلاس‌های کلان و پرتکرار و البته آزاردهنده این روزها برای خودشان توجیه می‌کنند. قانع کردن این بعضی‌ها خیلی سخت است. چپه‌های ما نه در مدرسه آموزش درستی می‌بینند نه در خانواده و امان از خانواده‌ها!

وقتی بچه‌ای می‌بیند پدرش در رانندگی و پارک کردن به هیچ قانونی اهمیت نمی‌دهد، وقتی بچه‌ای می‌بیند مادرش از ماشین آشغال‌ها را به خیابان پرت می‌کند، وقتی بچه‌ای در خانه از پدرش و دوستان پدرش دربارهٔ قهقهه بازی‌هایشان می‌شنود و می‌بیند این‌ها زرنگی می‌دانند، وقتی بچه‌ای می‌بیند مادرش پشت تلفن شایعه‌پراکنی می‌کند و آبروی دیگران را می‌برد، وقتی بچه‌ای در خانه می‌بیند پدر و مادرش برای بزرگ‌ترها احترامی قائل نیستند، وقتی بچه‌ای می‌بیند پدر و مادرش پشت سر مدیر مدرسه – که گناهش گرفتن پول کتاب و بیمه است و نه حتی کمک به مدرسه – هر چه دلشان می‌خواهد می‌گویند، از چنین بچه‌ای چه انتظاری داریم؟! وقتی کار کردن و عرق ریختن شرمساری دارد و دزدی و دروغ‌گویی و مال مردم خوردن ارزش می‌شود از این بچه‌ها چه انتظاری داریم؟

گاهی این بچه ها بر تکرار اشتباهاتشان، مثلاً اعتیاد به مواد مخدر یا تجارت‌هایی که استعدادش را ندارند، اصرار به می‌کنند و انتظار دارند تا قیامت پدر و مادر و حتی برادر و خواهر جورشان را بکشند، اشتباه نکنید، من هم متقدم مردم بر آیین ملوگشان هستند و آنچه این روزها در رسانه‌ها در خصوص بعضی مسئولان و آقا زاده‌هایشان می‌خوانیم و می‌بینیم بسیار شرم‌آور است و باید فکری اساسی برای این وضعیت کرد. اما قبول کنیم مردم خودشان هم مقصر هستند و بعضی‌ها اگر آب بسند شناگر از ما هر ی هم هستند!

این روزها سالم ماندن و سالم زندگی کردن سخت است و باید بهایش را هم بپردازیم. کسانی این بهار را می‌پردازند که ریشه دارند و جوانمردانه فکر می‌کنند و مردانه زندگی می‌کنند.

* مدرس دانشگاه و آموزش و پرورش

اشاره‌ها و فرهنگ‌ها

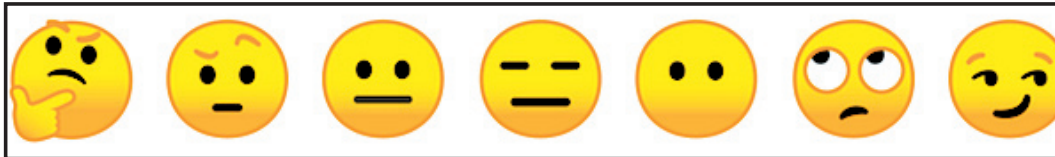
مرور کتابی از فرانسوا کارادک*

دارد. کتاب در مجموع به عدد قابل توجه ۸۵۵ حرکت می‌رسد. برای هر حرکت یک توضیح مختصر و یک طراحی خطی به دست «فیلیپ کازین» و یک تعبیر معنایی آمده است؛ هر مدخل اغلب با یک نقل قول ادبی همراه است که نشان می‌دهد نویسندگان چگونه یک ایما و اشارهٔ بدنی را به یک داستان وارد می‌کنند.

گاهی معنای یک اشاره واضح است، ولی غالباً باید پیش‌تر با آن فرهنگ آشنا باشیم تا بتوانیم اشاره‌ها را بفهمیم. ما اکثرًا از معانی دیگر اشاره‌ها غافل هستیم و وقتی با آن هادرلیست کار ادک مواجه می‌شویم، از فهمیدن معنای دیگر لذت می‌بریم.

از دیگرسو گاهی هم پیش می آید که نتوانیم
اشارههایی را که قسمتی از فرهنگمانیست بفهمیم.
کارآباد آن زمانی به کمک می آید که طرف صحبت
شما نرمه گوشش را با سست و سیباهش می کشد
و شما هیچ متوجه نمی شوید که منظورش چیست
«مراقب باش» در یونانی و ترکی یا وقتی نرمه
گوشش را تکان تکان می دهد «خوشمزه است»
در پرتغالی و برزیلی، یا اگر انگشت سیباهش را
روی پلک پایین قرار دهد و آن را پایین بکشد (در
اکثر کشورهای اروپا یعنی «شک دارم» در شمال
آفریقا یعنی «مواظب باش»، در ایتالیا یعنی «جذاب
است».

این کتاب خصوصا وقتی به کمک می آید که نویسنده نشان می دهد که چقدر ایما و اشاره های



مشابه می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد؛ مثل همان وضعیتی که در عراق پیش آمد. اگر وقتی انگشت شست و اشاره را به هم چسبانده‌ای، با نوک آن‌ها روی یک سطح افقی دایره‌ای بخشی چه معنایی خواهد داشت؟ برای من این یعنی «عالی است» یا «همان است که می‌خواستم».

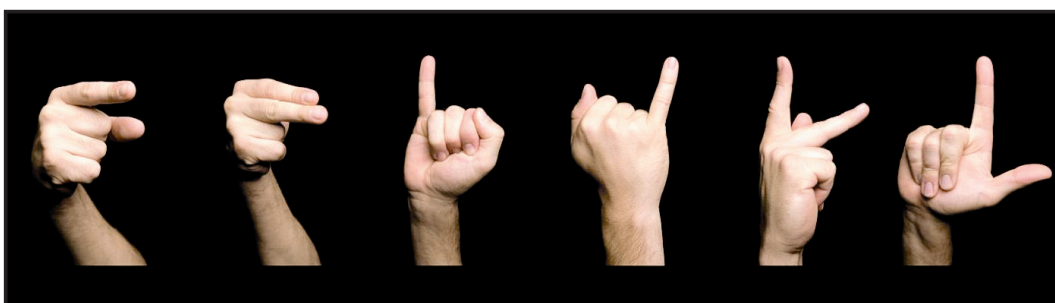
اما بهتر است که این حرکت را در کشورهای
عربی یا آمریکای جنوبی بی‌محابا استفاده نکنم،
چون این کشورها جاهایی هستند که در آن‌ها این
اشاره، معنی مستهجنی دارد (کلاتعداد شگفت‌آوری
از اشارات، مستهجن از آب درمی‌آیند)، در ژاپن نشانه
سکه است و شیوای است برای درخواست پول،
که اغلب موقع چانه‌زنی مشاهده می‌شود. در اکثر
کشورهای اروپایی نشانه صفر است و لذا معنی
بی‌هوده می‌دهد؛ دقیقاً بر عکس «عال».

این کتاب یک مجموعه شخصی است؛ در نوع خودش بزرگ‌ترین مجموعه‌ای که من دیده‌ام. اما ادعا نمی‌کند که جامع است. به این خاطر که کار ادک می‌گوید وقتی یک ایما و اشاره در معنای الف به کار

آنچه کارادک می‌تواند بگوید این است که اشارات آن‌ها به طرز پیچیده‌ای به نماد تبدیل شده‌است. من به هر کشوری که می‌روم باید حقیقتاً تحت تعلیم قرار بگیرم که رومبوسی کردن باید یک بار باشد یا دو بار یا سه بار یا حتی بیشتر!

مطالعهٔ ایما و اشاره‌های بین‌فرهنگی، فقط شاخه‌ای جذاب از نشانه‌شناسی نیست، بلکه مورد علاقهٔ زبان‌شناسان و مردم‌شناسان هم هست. نسبت زیادی با زندگی امروزی دارد و کمک می‌کند که در خیل روزافزون جوامع چندفرهنگی امروز، از سوءتفاهم اجتناب کنیم. این کتاب حتی ممکن است جان کسی را نجات دهد!

✽ این مطلب را دیوید کریستال، نویسنده، منتقد و برنامه‌ساز بریتانیایی نوشته و وبسایت ترجمان آن را در تاریخ ۱۰ دی ۱۳۹۷ با عنوان «اگر معنای یک ایما و اشاره را درست نفهمید، ممکن است کشته شوید» به ترجمه عبدالحمید ضرابی منتشر کرده است.



● دیوید کریستال

زندگی روزمرهٔ ما مملو از پیام‌هایی است که با ایمانو اشاره، دویدل می‌شود. استفاده از آن‌ها آن چنان طبیعی و بی‌سروصداست که عموماً لاهمیتشان را از یاد می‌بریم. با موقتی‌بامردمانی از فرهنگ‌های دیگر مواجه می‌شویم، تازه می‌فهمیم که تا چه حد معنای اشارات آن‌ها را نمی‌فهمیم. یعنی چه که کسی نرمة گوشش را به سمت پایین می‌کشد؟ یعنی چه که با انگشتش دایره‌ای رسم می‌کند؟ کتاب «دیکشنری اشارات» ایماها و حرکات معنی‌دار در سر تاسوس دنیا» نوشتهٔ فرانسوا کارادک، مجموعه‌ای از این اشارات را در سطح جهان گردآورده است.

ممکن است دربارهٔ این ماجرا در طول جنگ عراق چیزهایی خوانده باشید: گروهی از مردم محلی به یک پایگاه نظامی آمریکایی نزدیک می‌شدند. یک سرباز آمریکایی دستش را به سمت آن‌ها گرفت، به صورتی که بازویش تماماً باز شده و کف دستش به سمت آن‌ها بود، با همان علامت مرسوم «ایست». محلی‌ها به آمن‌دامه دادند. سرباز دوباره این حرکت را تکرار می‌کند. اما آن‌ها به نزدیک شدن ادامه دادند. برای همین شروع به شلیک می‌کند. محلی‌ها مردم عادلی از آب در آمدند، نه سبزه‌جو. از قرار معلوم آمریکایی‌ها نمی‌دانستند که این حرکت در خاورمیانه نوعی خوش‌آمدگویی دوستانه است. «سلام» معنی می‌شود، نه «ایست».

ایماو اشاره‌های کمی هستند که جهان شمول باشند. گردآوری غنی فرانسوا کارادک نشان می‌دهد که این اشارات چقدر در سراسر دنیا فرق دارند. این مجموعه نوعی فرهنگ لغت نیست، بلکه بیشتر یک جور فرهنگ است که به ۳۷ بخش موضوعی تقسیم می‌شود. هر کدام از این بخش‌ها به قسمت جداگانه‌ای از بدن می‌پردازد و از سر تا پا را شامل می‌شود. کارادک از بالا به پایین آن‌ها را طبقه‌بندی می‌کند.

ایما و اشاره‌هایی که از سر، شقیقه، گوش، پیشانی، ابروها، مژه‌ها، چشم، بینی، دهان، لب‌ها، ریزان، دندان‌ها، گونه‌ها، چانه، گردن، شانه‌ها، بغل، بازوها، ساعد، آرنج، مچ دست، ناخن‌ها، دست، مشت، دو دست، شست، هر کدام از انگشت‌ها، نیم‌تنه، قفسه سینه، لگن، میان‌تنه، شکم، دور کمر، باسن، کشاله ران، زانو، پاها، و مچ پا به پایین تقسیم‌بندی شده‌اند. قسمت دست، با بیش از ۸۰ حرکت، متنوع‌ترین مدخل است که خود انگشت اشاره بیش از ۶۰ حرکت

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (برابر با ۱۳ دیحجه ۱۳۹۹، ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹) نقل شده است.

میلیون ها نفر در سالگرد کشتار دانشگاه تظاهرات کردند

میلیون ها تن از دانش آموزان، دانشجویان، فرهنگیان دانشگاهیان و دیگر طبقات سراسر کشور بمنظور بزرگداشت خاطره عدهای از جوانان مبارز دانشجو و دانش آموز که در ۱۳ آبانماه سال گذشته در دانشگاه تهران بدست نیروهای امنیتی رژیم گذشته شربت شهادت نوشیدند، امروز در راهپیمایی ها و تظاهرات شرکت کردند و در مراکز آموزشی و دانشگاهها مراسم ویژه ای بدین منظور برپا گردید. شرکت کنندگان در این مراسم با گرامیداشت خاطره شهدای ۱۳ آبانماه خواهان تشکیل هر چه بیشتر دانشجویان و دانش آموزان در راه مبارزه با امپریالیسم صهیونیسم شدند.

مذاکرات صلح کردستان رضایتبخش اعلام شد

بعد از ظهر دیروز هیات حسن نیت دولت وارد سقز شد و اعضای آن به پادگان این شهر رفتند. یک گزارش تایید نشده حاکی است: ساعت ۳۰۴ دقیقه دیروز بین متحصنین سقز و پاسداران درگیری مختصری روی داد، اما با ورود هیات حسن نیت دولت به سقز از وقوع حادثه جلوگیری شد و نمایندگان متحصنین برای مذاکره و طرح خواسته های خود نزد هیات حسن نیت دولت رفتند. همچنین گفته شد دیروز در جلسه ای که با حضور اعضای حسن نیت دولت و حاج ملاعلی خطیبی امام جمعه بانه تشکیل شد برای ایجاد امنیت و آرامش در شهر بانه، چند پیشنهاد به هیات حسن نیت داده شد. آقای باباطهری فرماندار سابق مهاباد دیشب در یک تماس تلفنی با خبرنگار اطلاعات در کرمانشاه در زمینه نتایج گفتگوهای هیات ویژه دولت با نمایندگان مردم کردستان اظهار داشت: دومین دور مذاکرات هیات ویژه دولت با نمایندگان مردم کردستان در مهاباد پایان یافت و نتیجه مذاکرات رضایت بخش بود. عصر دیروز آقای فروهر وزیر مشاور برای ادامه مذاکرات عازم سر دشت شد و آقایان صباغیان وزیر کشور و مهندس

تقیح شایعه تعطیل دانشگاهها

جامعه اسلامی دانشگاهیان (دانشگاه تهران) در بیانیه ای شایعه تعطیل شدن دانشگاهها را تقبیح کرد. در این بیانیه آمده است: «اکنون با کمال تأسف بیشترین تلاش شایعه پردازان و صحنه پردازان حرفه ای متمرکز در مدارس و دانشگاهها شده است و مخصوصا در این ایام از شور و احساسات جوانان مخصوصا دانش آموزان بهره گیری می کنند.

امام خمینی: اسلام، خاری است در چشم دشمنان

پیش از ظهر دیروز کلیه مسئولان کمیته ها و سرپرستان سپاه پاسداران استان خراسان در قم بحضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رسیدند و ضمن عرض تسلیت بمناسبت شهادت آیت الله قاضی طباطبائی پیرامون پارهای از مسائل وضع کمیته ها و پاسداران و اوضاع مرزی استان خراسان گفتو کردند. در این ملاقات رسماً از امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران برای سفر به مشهد دعوت به عمل می آید که قدم بر روی چشم خراسانی ها گذاشته و به زیارت مرقد حضرت علی ابن موسی الرضا امام هشتم شیعیان مشرف شوند. امام در پاسخ فرمودند: زیارت امام هشتم آرزوی من است، لیکن با گرفتاری هایی که دارم و از طرفی ملاقات های اجتماعی برایم امکان ندارد و نمی توانم مسافرت کنم. امیدوارم که این توفیق نصیبم گردد. امام افزودند: اسلام خاری است در چشم دشمنان اسلام و تمام کسانی که با کمیته ها و پاسداران با دادگاهها مخالفت می کنند، مخالف اسلام هستند.

آیت الله مدنی امام جمعه تبریز شد

دستور نامه زیر دیروز از سوی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران خطاب به آیت الله مدنی صادر شد. بسم الله الرحمن الرحیم - خدمت جناب مستطاب سیدالعلماء الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید اسداله مدنی دامت افاضائه. با این که شهرستان همدان به وجود جناب عالی احتیاج داشت معذالک به احتیاج مبرمی که شهر تبریز بلکه آذربایجان به جنابعالی دارد و از طرف جمعی تقاضا شده است مقتضی است جنابعالی در تبریز مدتی اقامت فرمائید و به مسائل و مشکلات آنجا رسیدگی فرموده و نظارت در کمیته های انقلاب و همبطور دادگاه های انقلاب فرموده و آنان را ارشاد فرمائید. جناب عالی منصوب برای اقامه نماز جمعه، این فریضه بزرگ اسلامی، سیاسی و اجتماعی نیز می باشید.

قاب امروز



اولین سلام... یار امامام رضا(ع) در مشهد مقدس/عکس از: مهدی جهانگیری

سرایه

مورا نه فکر سودایی نه سودی

نه در دل فکر بهبودی نه بودی

نخواهم جو کنار و چشمه سارون

که هر چشم هزارون زنده رودی

باباطاهر عریان

پند بزرگان

سلامتی بزرگ ترین هدیه، قناعت بزرگ ترین ثروت و وفاداری بهترین رابطه است.

بودا

اگر چیزی را دوست نداری، تغییرش دهید. اگر نمی توانید، دیدتان را عوض کنید، غر نزنید!

مایا آنجلو

امروز در تاریخ

تعیید امام خمینی (ره) از وطن

۱۳ آبان ۱۳۴۳ امام خمینی در منزل خود در قم دستگیر و از آنجا به فرودگاه مهر آباد انتقال یافتند و به ترکیه تبعید شدند که بعداً در عراق اقامت کردند. این تبعید تا نیمه سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. امام خمینی چند روز پیش از تبعید، بار دیگر از تصمیم دولت وقت به برخورد کردن نظامیان آمریکایی از پاره ای مصونیت های قضایی شدیداً انتقاد کرده بودند.

۳ روز نبرد خیابانی در بندر بوشهر

دولت لندن یکم نوامبر ۱۸۵۶ (دهم آبانماه) به ایران اعلان جنگ داد، زیرا که احطارهای دیپلماتیک آن دولت به ایران که هرات و غرب افغانستان را تسلیم کند و از آنجا خارج شود مورد بی اعتنائی تهران قرار گرفته بود. ناوهای انگلستان پس از رسیدن به آبهای بوشهر، نهم دسامبر ۱۸۵۶ پس از یک گلوله باران شدید گام بر خاک ایران در ساحل بوشهر گذارند و نبرد خیابانی آغاز شد. سرانجام، پس از شش هفته و ۳ روز نبرد خیابانی، بندر بوشهر و حومه آن را تصرف کردند تا دولت تهران مجبور به صرف نظر کردن از شهر هرات و غرب افغانستان امروز شود.

پایان فتنه شیخ خزعل

۱۳ آبان سال ۱۳۰۳ خورشیدی واحدهای هنگ نادری تهران، تیپ اصفهان و تیپ فارس با توپخانه و تدارکات لازم رهسپار خوزستان شدند و به تیپ لرستان و واحدهای لشکر آذربایجان نیز آماده باش داده شد تا به محض دریافت دستور به سوی اهواز به حرکت در آیند. هدف، پایان دادن به گردنکشی شیخ خزعل بود. پس از رسیدن واحدهای اعزامی به مقصد، کار خلع سلاح اطرافیان خزعل آغاز شد، خزعل به مجلس نامه نوشته بود که فریب خورده و پوزش خواسته بود که بعداً با دو پسرش تحت الحفظ به تهران منتقل شدند. رسیدن سواره نظام آذربایجان ظرف چهار روز از تبریز به خوزستان از نکات جالب این عملیات بود که در آن زمان طی این مسافت با اسب، امری بی سابقه بود.

تور و هژیر در مسجد سپهسالار

۱۳ آبان ۱۳۲۸ عبدالحمین هژیر وزیر دربار وقت و نخست وزیر پیشین در مسجد سپهسالار هدف گلوله قرار گرفت و روز بعد جان سپرد. وی برای شرکت در روضه خوانی دربار سلطنتی به این مسجد رفته بود. اندکی پس از تیراندازی به هژیر و در همان روز وقوع این رویداد، در تهران حکومت نظامی اعلام، دکتر محمد مصدق به احمدآباد تبعید، شماری بازداشت و انجام انتخابات پارلمانی نیز متوقف شد.

www.iranianhistoryontoday.com

سودوکو

۲۵۹۹

					۸				
								۳	
۹									
			۸	۹	۶				۵
			۴		۱		۳		۶
					۲				۴
۳			۶		۹		۵		
					۸	۴	۱		
۶			۲						۳
			۹						
					۶				

۲	۴	۸	۹	۳	۷	۵	۶	۱	
۵	۶	۱	۲	۴	۸	۹	۳	۷	
۹	۳	۷	۵	۶	۱	۲	۴	۸	
۸	۲	۴	۷	۱	۹	۳	۵	۶	
۳	۹	۵	۸	۲	۶	۷	۱	۴	
۷	۱	۶	۴	۵	۳	۸	۲	۹	
۶	۸	۲	۳	۷	۴	۱	۹	۵	
۴	۵	۹	۱	۸	۲	۶	۷	۳	
۱	۷	۳	۶	۹	۵	۴	۸	۲	

حل ۲۵۹۸

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

۵۱۱۲

در هم فشرده	کنایه از	تاریخ	گوسند قربانی	کتاب	حل جدول
م	احوال پرستی	بایست گابین	گوسند قربانی	کتاب	۵۱۱۱
قلمی و محکم					
دشمن باطل					
پیشوند نداری					
فریبکار					
سروش کیاهی					
کندم نیم کوفته					
ب					
ج					
کنتزار خریزه					
آینده					
طلا					
منجم آمریکایی					
زبان آتش					
محلی در مکه					
مشکی					
کاغذ کپی					
پیشینان					
ف					
صوت تعجب					
خانم ها					